



اصلاحیه 1
شماره چاپ 852
شماره چاپ سابقه 23-809
شماره ثبت 16

دوره دهم - سال چهارم
تاریخ چاپ 1398/4/29

اعاده شده از شورای نگهبان (2)

(ارجاعی از صحن)

شماره: 2543/ق ک

تاریخ: 1398/3/20

گزارش کمیسیون قضائی و حقوقی به مجلس شورای اسلامی

لایحه تجارت که پس از تصویب کلیات از صحن علنی به این کمیسیون ارجاع شده بود با حضور کارشناسان مرکز پژوهش‌های مجلس و دستگاه‌های اجرائی ذی‌ربط در چندین جلسه کمیسیون مورد بحث و بررسی قرار گرفت و با توجه به حجم لایحه و کثرت مواد آن، صرفاً باب قراردادهای تجارتي لایحه در دوازده فصل و (331) ماده به شرح زیر به تصویب رسید.

اینک گزارش آن در اجرای ماده (152) قانون آیین‌نامه داخلی تقدیم مجلس شورای اسلامی می‌شود.

رئیس کمیسیون قضائی و حقوقی

الهیار ملکشاهی

معاونت قوانین

لایحه تجارت - قراردادهای تجاری

فصل اول - مقررات عمومی

ماده 1- مقررات این قانون در موارد زیر اعمال می شود:

- 1- کلیه قراردادهای منعقدشده بین صاحبان حرف با یکدیگر
- 2- کلیه قراردادهای منعقدشده بین صاحبان حرف با مصرف کنندگان، مشروط بر آن که قوانین و مقررات مساعدتری به نفع مصرف کننده بر رابطه قراردادی بین صاحب حرفه و مصرف کننده حاکم نباشد.
- 3- کلیه قراردادهای منعقدشده بین مصرف کنندگان با یکدیگر، مشروط بر آن که طرفین قرارداد خود را صریحاً تابع این قانون قرار داده یا قوانین مربوط نسبت به حکم قضیه ساکت بوده باشند.
- تبصره 1- شخصی که قرارداد را خارج از فعالیت های شغلی خود منعقد می کند مصرف کننده و شخصی که قرارداد را در چهارچوب فعالیت های شغلی خود منعقد می کند صاحب حرفه نامیده می شود.
- تبصره 2- کلیه قراردادهای توزیع کنندگان کالا، ارائه کنندگان خدمات و تولید کنندگان، در راستای فعالیت های شغلی آنان محسوب می شود، مگر آنکه خلاف آن اثبات شود.
- ماده 2- اشخاص در انعقاد قرارداد خصوصی، تعیین مفاد و تعیین قانون حاکم بر آن آزادند.
- ماده 3- قرارداد تابع قانون محلی است که با توجه به اوضاع و احوال مسلم قضیه بیشترین ارتباط را با آن قرارداد داشته باشد مگر آنکه متعاقدين آن را صریحاً یا ضمناً تابع قانون دیگری قرار داده باشند.
- ماده 4- طرفین قرارداد می توانند شمول اعمال قانون را نسبت به قرارداد استثناء یا محدود نمایند یا مفاد قانون قابل اعمال را به نحو دلخواه تغییر دهند. قاعده آمره قابل اعمال در مورد قرارداد قابل استثناء، تحدید یا تغییر نیست.
- تبصره - قاعده آمره عبارت است از احکام الزامی شرعی، مباحات اقتضائی و قواعد قابل اعمال مرتبط با نظم عمومی.

ماده 5- انعقاد قرارداد، ابراز اراده یا هر عمل دیگر مرتبط با قرارداد و اثبات آنها نیازمند هیچ تشریفات خاصی نیست. این امور، به هر وسیله، از جمله شهادت شهود، قابل اثبات است.

ماده 6- قرارداد ممکن است دو تعهدی یا تک تعهدی باشد. قرارداد دوتعهدی قراردادی است که به موجب آن طرفین تعهدات متقابلی را به نفع یکدیگر به عهده می گیرند و قرارداد تک تعهدی قراردادی است که به موجب آن یک طرف در مقابل طرف دیگر تعهدی را به عهده می گیرد، بدون آن که متعهدله تعهد متقابلی را به نفع متعهد به عهده گرفته باشد.

ماده 7- تعهد یک طرفه قراردادی است که به موجب آن یک طرف (متعهد) به دیگری (ذی نفع) در دوره زمانی مشخص حق انتخاب انعقاد قراردادی را می دهد که عناصر ضروری آن تعیین شده و فقط اراده ذی نفع برای تشکیل آن ابراز نشده است. لغو تعهد یک طرفه در دوره زمانی تعیین شده برای ذی نفع جهت اعمال حق مانع انعقاد قرارداد تعهدشده نیست. قرارداد با شخص ثالث آگاه به وجود تعهد یک طرفه که به سبب آن تعهد مذکور نقض شده است، باطل است.

ماده 8- در تفسیر این قانون باید به ویژگی تجارتي آن و هدف قانون شامل ایجاد وحدت رویه در اعمال مقررات تجارتي توجه شود.

ماده 9- در این قانون:

«هویت» شامل نام، نام خانوادگی و شماره ملی برای اشخاص حقیقی و نام و شماره انحصاری برای اشخاص حقوقی است.

«دادگاه» شامل هر دیوان دآوری نیز می شود.

«نوشته» شامل هر چیزی است که حاوی ثبت اطلاعات موجود در خود و قابل تکثیر به شکل ملموس باشد.

ماده 10- کلیه اخطارهای مقرر شده در مواد این قانون متناسب با وسایل ارتباطی در دسترس با توجه به اوضاع و احوال قابل انجام است.

تبصره - مقصود از اخطار هر بیانیه، تقاضا، درخواست یا ابراز قصد دیگر است.

ماده 11- اخطار از زمان وصول به مخاطب قانوناً واجد اثر است. اطلاع شفاهی مخاطب، تحویل اخطار به محل فعالیت مخاطب یا نشانی پستی وی از مصادیق وصول اخطار است.

تبصره - چنانچه یکی از طرفین بیش از یک محل فعالیت داشته باشد، تحویل اخطار به محلی که با توجه به اوضاع و احوال مسلم یا به موجب توافق طرفین قبل از انعقاد قرارداد، نزدیکترین ارتباط را با قرارداد یا اجرای آن داشته باشد از مصادیق وصول اخطار است.

ماده 12- طرفین مکلفند در مذاکرات مقدماتی، انعقاد و اجرای قرارداد، اصل حسن نیت و عمل منصفانه در تجارت را رعایت کنند. طرفین نمی توانند بر خلاف مفاد این ماده توافق کنند.

ماده 13- رعایت حسن نیت به وسیله طرفین مفروض است، مگر آنکه خلاف آن اثبات شود.

ماده 14- هیچ شخصی در مذاکرات مقدماتی، انعقاد و اجرای قرارداد نباید ناهماهنگ با تلقی ای که خود برای طرف دیگر ایجاد کرده است، عمل کند. اگر طرف مقابل با اعتماد متعارف به وضع ایجاد شده اقداماتی را انجام دهد یا هزینه هایی را متحمل گردد، شخصی که وضع مذکور را ایجاد نموده، مسؤول خسارات وارد شده است.

ماده 15- هر یک از طرفین مکلف است اطلاعاتی را که در جریان مذاکرات قراردادی به عنوان «اطلاعات محرمانه» از سوی طرف دیگر به او ارائه می شود حفظ نماید، ولو آنکه مذاکرات مذکور به انعقاد قرارداد منجر نشود. در صورت افشای اطلاعات مذکور یا استفاده از آنها برای مقاصد شخصی، متخلف مسؤول جبران خسارات وارد شده است. تعهد به عدم افشای اطلاعات مذکور، در صورت انعقاد قرارداد تا پایان آن و در صورت عدم انعقاد قرارداد دو سال از تاریخ مذاکرات است، مگر این که به موجب توافق طرفین مدت دیگری مشخص شده باشد. در هر صورت، تکلیف حفظ اسرار تجارتي طرفین و عدم استفاده از آن محدود به مدتهای مذکور نیست.

ماده 16- شروع مذاکره قراردادی و ادامه آن باید با هدف حصول توافق صورت گیرد و طرفین در طول مذاکرات مکلف هستند کلیه اطلاعاتی را که عرفاً برای اتخاذ یک تصمیم متعارف در خصوص انعقاد قرارداد لازم است به طرف مقابل ارائه نمایند. در غیر این صورت و نیز در صورتی که یکی از اطراف مذاکره به نحو غیرمتعارف، غیرموجه و یک جانبه مذاکرات را قطع نماید، مسؤول خسارات و هزینه های تحمیل شده بر طرف مقابل است.

تبصره - شروع مذاکره صرفاً با هدف بازداشتن طرف مقابل از مذاکره با دیگری، ورود به مذاکرات با هدف دستیابی به اسرار تجارتي و اطلاعات مالی طرف مقابل، شروع مذاکراتی که بی نتیجه بودن آن از ابتدا بر شخص

شروع‌کننده معلوم است یا شروع مذاکره بدون اینکه مذاکره‌کننده اختیار توافق مورد نظر را داشته باشد، از مصادیق مذاکره بدون هدف حصول توافق محسوب می‌شود.

ماده 17- در کلیه قراردادهایی که موضوع آن اعطای نمایندگی است، نماینده نمی‌تواند خود را در وضعیتی قرار دهد که با اعطاءکننده نمایندگی دارای تعارض منافع شود، مگر آنکه این امر را قبلاً به اعطاءکننده نمایندگی اطلاع داده باشد.

ماده 18- چنانچه شخصی به هر طریق موجب شود که دیگری نماینده یا دارای اختیاراتی از جانب او شناخته شود و اشخاص ثالث با اعتماد متعارف به وضع ایجادشده با او به مانند نماینده یا شخص واجد اختیار برخورد نمایند، اصیل نمی‌تواند در مقابل شخص ثالث به فقدان نمایندگی یا فقدان اختیارات نماینده استناد کند.

ماده 19- عزل نماینده‌ای که نمایندگی او در دفتر ثبت تجارتهی به ثبت رسیده است باید ثبت و آگهی شود. در غیر این صورت، عزل در مقابل شخص ثالث ناآگاه غیر قابل استناد است.

ماده 20- اگر طرفین تعیین برخی از مفاد قرارداد را به مذاکرات بعدی یا شخص ثالث موکول کرده باشند، این امر مانع از انعقاد قرارداد نیست. در این صورت، چنانچه طرفین بعداً در مورد مفاد مذکور به توافق نرسند یا شخص ثالث آن را تعیین نکند، قرارداد باطل نمی‌شود، مشروط بر این که معیار متعارفی برای تعیین آن مفاد وجود داشته باشد که در این صورت مفاد مذکور باید با توجه به آن معیار تعیین شود.

ماده 21- طرفین می‌توانند توافق کنند مبلغ معامله به وسیله شخص ثالث یا بر اساس ضابطه‌ای معین تعیین شود. هرگاه تعیین مبلغ به شخص ثالث واگذار شده باشد، شخص مذکور باید در تعیین مبلغ به نحو متعارف عمل کند. چنانچه ثالث نخواهد یا نتواند مبلغ را تعیین کند، مبلغ مذکور به نحو متعارف تعیین می‌شود. چنانچه توافق شده باشد مبلغ معامله بر اساس ضابطه‌ای تعیین شود که دیگر وجود ندارد یا قابل دسترس نیست، نزدیکترین ضابطه معادل با ضابطه مورد توافق باید جایگزین شود.

ماده 22- در موارد زیر، شرط مندرج در قرارداد، چنانچه موجب عدم تعادل نامتعارف بین حقوق و تکالیف طرفین گردد، غیرمنصفانه محسوب می‌شود و زیان‌دیده می‌تواند خواهان ابطال شرط شود:

1- شرط مندرج در قرارداد بین مصرف‌کننده و صاحب حرفه، چنانچه شرط به زیان مصرف‌کننده باشد؛
2- شرط مندرج در قراردادی که یکی از طرفین در خصوص موضوع آن دارای انحصار است، چنانچه شرط به زیان طرف دیگر باشد؛

3- شرط مندرج در قرارداد نمونه ارائه‌شده از سوی یکی از طرفین، چنانچه شرط به زیان طرف دیگر باشد؛
تبصره 1- در احراز عدم تعادل نامتعارف بین حقوق و تکالیف طرفین باید به ماهیت و هدف قرارداد، اوضاع و احوال حاکم بر انعقاد قرارداد و سایر شروط آن قرارداد توجه شود.

تبصره 2- در مواردی که زیان‌دیده خواهان ابطال شرط است، اگر طرف مقابل قبول نماید که شرط مذکور تعدیل شود، دادگاه حکم به تعدیل شرط به نحو متعارف می‌دهد.

ماده 23- در قراردادهایی که شخص صاحب حرفه با مصرف‌کننده منعقد می‌کند، درج شروط زیر به نفع صاحب حرفه ممنوع است و درج آن کأن لم یکن محسوب می‌شود:

1- شرطی که مسؤولیت قانونی صاحب حرفه را منتفی یا محدود نماید.
2- شرطی که حقوق قانونی طرف مقابل را در صورت عدم اجرای جزئی یا کلی قرارداد از سوی صاحب حرفه منتفی یا محدود نماید.

- 3- شرطی که به صاحب حرفه حق فسخ دهد، چنانچه طرف مقابل در همان مورد فاقد این حق باشد.
- 4- شرطی که به صاحب حرفه در تغییر نوع انجام کار یا صفات محصول، بدون دلیل منطقی بیان شده در قرارداد، اختیار بدهد.
- 5- شرطی که به صاحب حرفه در تعیین قیمت در زمان تسلیم یا افزایش آن اختیار بدهد، بدون آنکه در همان مورد به طرف مقابل حق فسخ داده شده باشد.
- 6- شرطی که تفسیر قرارداد یا داوری در خصوص مطابقت کالا یا خدمات ارائه شده با مفاد قرارداد را به شخص ارائه کننده یا ثالثی که از جانب او تعیین می شود واگذار کند.
- 7- شرطی که تعهد طرف مقابل را قطعی کند، اما انجام تعهد از سوی صاحب حرفه را منوط به شرط تعلیقی نماید که تحقق آن منوط به اراده خود او است.
- 8- شرطی که به موجب آن بار اثبات از عهده صاحب حرفه به طرف مقابل منتقل شود.
- 9- شرطی که وجه التزام تعیین شده در قرارداد را در مقایسه با صدمه و زیان ناشی از عدم اجرای تعهد یا تأخیر در آن و اوضاع و احوال دیگر، به نحو غیرمتمعارفی بیشتر تعیین کرده باشد.
- 10- شرطی که مصرف کننده را به قبول داوری ملزم نماید که صاحب حرفه تعیین می کند.
- تبصره- در قراردادهایی که که یکی از طرفین در خصوص موضوع آن دارای انحصار باشد هرگاه شروط موضوع این ماده به زیان طرف دیگر درج گردد، حکم این ماده مجری است.
- ماده 24- هر قراردادی که صحیحاً منعقد شده است، برای طرفین الزام آور است. هرگونه تغییر مفاد قرارداد یا فسخ آن، تنها، به موجب مفاد خود قرارداد یا توافق جدید امکان پذیر است، مگر این که قانون به نحو دیگری مقرر کرده باشد.
- ماده 25- طرفین به رعایت رویه ها و شیوه های معمول بین خود ملزم هستند.
- ماده 26- طرفین به رعایت عرفهایی که به طور معمول در معاملات مرتبط به وسیله اشخاص رعایت می شود، ملزم هستند، مگر آن که اعمال عرف مذکور در خصوص یک رابطه قراردادی نامتعارف باشد.
- ماده 27- در تفسیر کلیه قراردادها سکوت قرارداد، در صورت فقدان قوانین آمره، به ترتیب بر رویه و شیوه معمول بین طرفین، عرف خاص، عرف عام و قوانین تکمیلی محمول است.
- ماده 28- اگر شرط مبهمی به پیشنهاد یکی از طرفین در قرارداد درج شده باشد، آن شرط به ضرر پیشنهاددهنده آن تفسیر خواهد شد.
- ماده 29- هر یک از طرفین مکلفند کلیه اطلاعاتی را که عرفاً لازمه اجرای قرارداد است به طرف مقابل ارائه نماید. هیچ یک از طرفین نمی تواند با استناد به اینکه اطلاعات مذکور در زمره اسرار تجاری است یا عدم ارائه آنها در قرارداد شرط شده است، از انجام این تکلیف خودداری نماید.
- ماده 30- تا زمانی که متعهد اختطاری از متعهدله مبنی بر انتقال حق دریافت نکرده است با انجام تعهد برای انتقال دهنده از تعهد خود بری می شود. پس از اینکه شخص متعهد اختطار مزبور را وصول کرد، فقط با ایفای تعهد برای منتقل الیه از تعهد خود بری می شود. اگر حق واحدی به طور متوالی به دو یا چند شخص انتقال یافته باشد، شخص متعهد با ایفای تعهد مطابق با توالی دریافت اختطارها از تعهد خود بری می شود.
- ماده 31- در موردی که موضوع تعهد عملی است که انجام آن جز به وسیله متعهد ممکن نیست، چنانچه متعهدله از دادگاه اجبار متعهد به اجرای قرارداد را تقاضا کند، دادگاه می تواند به درخواست متعهدله، در حکم راجع به اصل دعوا

یا پس از صدور حکم، به تناسب موضوع تعهد، مدت و مبلغی را معین نماید که اگر محکوم علیه مدلول حکم قطعی را در آن مدت اجراء نکند، مبلغ مزبور را برای هر روز تأخیر به محکوم له بپردازد.

ماده 32- چنانچه نماینده، به هنگام انعقاد قرارداد، نمایندگی خود در امضای قرارداد یا هویت منوب عنه را افشاء ننماید، طرف مقابل می تواند علاوه بر اصیل، اجرای قرارداد را از نماینده نیز مطالبه کند.

ماده 33- چنانچه نماینده به هنگام انعقاد قرارداد، نمایندگی خود در امضای قرارداد و هویت منوب عنه را افشاء نماید، طرف مقابل فقط می تواند اجرای قرارداد را از اصیل مطالبه کند، مگر این که نماینده نیز صریحاً یا ضمناً اجرای قرارداد را تعهد نموده باشد.

ماده 34- چنانچه پیش از تاریخ اجرای تعهد، با توجه به اوضاع و احوال، ظن متعارف وجود داشته باشد که یکی از طرفین تعهدات اساسی خود را در تاریخ مقرر اجراء نخواهد کرد، طرف دیگر می تواند خواستار ارائه تضمین متناسب برای اجرای تعهد باشد و تا ارائه آن از اجرای تعهدات خویش خودداری کند. اگر تضمین متناسب در مدت زمان متعارف ارائه نشود، طرف دیگر می تواند قرارداد را فسخ کند. با وجود این، چنانچه عدم اجرای تعهدات اساسی یکی از طرفین در تاریخ مقرر قطعی باشد، تقاضای ارائه تضمین لازم نیست و طرف دیگر می تواند رأساً قرارداد را فسخ کند. تبصره - در احراز اساسی بودن تعهد نقض شده اوضاع و احوال مسلم قضیه از جمله رکن بودن تعهد نقض شده، شدت زیان بار بودن نقض و ناکارآمد بودن اجبار متعهد به ایفای تعهد مناط اعتبار است.

ماده 35- در صورت نقض تعهدات اساسی قراردادی، متعهد له می تواند رأساً قرارداد را فسخ نماید. در این مورد، وجود حق فسخ مانع الزام به ایفای تعهد و اعمال آن مانع تقاضای جبران خسارات ناشی از نقض نیست.

ماده 36- در صورت نقض تعهدات غیر اساسی قراردادی، متعهد له می تواند به موجب اخطار مهلت اجرای قرارداد به وسیله متعهد را به نحو متعارف تمدید کند. در این صورت، متعهد له مجاز به الزام متعهد به ایفای تعهد نیست. اگر متعهد تعهدات خود را در مهلت مذکور اجراء نکرد یا اعلام نمود که اجراء نمی کند، متعهد له می تواند تا زمانی که تعهد مذکور انجام نشده است، قرارداد را فسخ نماید. در هر حال، متعهد له می تواند، حسب مورد، خسارات ناشی از عدم اجرای قرارداد یا تأخیر در اجرای آن را از متعهد مطالبه کند، مگر اینکه عدم اجراء یا تأخیر به حادثه خارجی غیر قابل پیش بینی و غیر قابل رفع مستند باشد.

ماده 37- هرگونه نقض قرارداد، شامل عدم اجرای قرارداد یا تأخیر در اجرای آن، به زیان دیده حق مطالبه جبران کامل خسارت را می دهد، مگر این که نقض قرارداد ناشی از تجویز صریح مقنن باشد. مطالبه جبران کامل خسارت نافی اعمال ضمانت اجراءهای دیگر در نظر گرفته شده برای نقض قرارداد نیست و اعمال ضمانت اجراءهای مذکور، نافی حق مطالبه جبران کامل خسارت نمی باشد.

تبصره - خسارت شامل هر ضرر وارد شده، اعم از مادی و معنوی، و هر محرومیت از نفع، از جمله نفع ناشی از اجتناب از هزینه یا خسارت، می گردد.

ماده 38- اگر یکی از طرفین قرارداد به دلیل نقض تعهدات قراردادی طرف دیگر طبق مقررات معامله را فسخ کند و طی مدت و به طریق متعارف معامله ای جایگزین منعقد نماید، می تواند مابه التفاوت مبلغ قرارداد و مبلغ معامله جایگزین و هر خسارت دیگر ناشی از این امر را از طرف دیگر مطالبه کند. اگر طرف زیان دیده معامله جایگزینی منعقد نکرده اما مبلغ رایجی برای اجرای موضوع تعهد وجود داشته باشد، وی می تواند مابه التفاوت مبلغ قرارداد و مبلغ رایج در زمان فسخ قرارداد و هر خسارت دیگر ناشی از عدم اجراء یا تأخیر در اجرای قرارداد را از

طرف دیگر مطالبه کند. مبلغ رایج مبلغی است که عرفاً برای کالاها یا خدمات موضوع قرارداد در اوضاع و احوال مشابه، در محل اجرای قرارداد، مقرر است.

ماده 39- در صورت بروز حوادثی که تعادل قرارداد را به طور اساسی بر هم زده یا به نحو فاحشی هزینه اجرای تعهد را برای یک طرف افزایش داده است، طرف زیان دیده حق دارد به منظور ایجاد تعادل قراردادی در مدت متعارف و با ذکر دلایل درخواست مذاکره کند. درخواست مذاکره حق خودداری از اجرای تعهدات را به طرف زیان دیده نمی دهد. در صورت عدم دستیابی به توافق در مدت متعارف، هریک از طرفین می توانند تعدیل قرارداد را از دادگاه تقاضا کنند. دادگاه در صورت احراز موضوع این ماده، حکم به تعدیل قرارداد می دهد و چنانچه حکم به تعدیل نامتعارف یا تعدیل ناممکن باشد، از تاریخ حکم قرارداد را ابطال می کند.

تبصره 1- چنانچه قرارداد در خصوص نحوه تعدیل قرارداد، در موارد مقرر در این ماده، متضمن مقرراتی باشد، مفاد این ماده اجراء نخواهد شد، مشروط بر آن که مقررات مذکور غیرمنصفانه نباشد. در هر حال، طرفین نمی توانند بر عدم امکان تعدیل قرارداد، در موارد مقرر در این ماده، توافق نمایند.

تبصره 2- حوادث قبل از انعقاد قرارداد که زیان دیده نسبت بدان مطلع بوده است یا باید مطلع می بود، حوادثی که برای زیان دیده به هنگام انعقاد قرارداد قابل پیش بینی یا کسب اطلاع بوده است، بعضی از حوادثی که زیان دیده خطر احتمالی ناشی از آن را بر عهده گرفته باشد و مواردی که تأخیر زیان دیده موجب آن شده است، موجب ابطال یا تعدیل قرارداد نیست.

ماده 40- در کلیه قراردادهایی که موضوع آن اعطای نمایندگی است، سمت نمایندگی، حسب مورد، با انحلال، فوت یا حجر اعطاء کننده نمایندگی پایان می یابد، لکن، در صورت اقتضای ضرورت، نماینده قبلی تا تعیین نماینده جدید، با رعایت مصلحت، مسؤلیت اداره اموال را بر عهده خواهد داشت.

ماده 41- نحوه محاسبه کلیه مهلتها و مواعد مقرر در قراردادها و این قانون تابع آیین دادرسی مدنی است، مگر به موجب قرارداد یا قانون بر خلاف آن مقرر شده باشد.

فصل دوم - دلالی

ماده 42- دلالی عقدی است که به موجب آن دلال در برابر دیگری (آمر) تعهد می کند که برای او طرف معامله پیدا کند و در انعقاد معامله با طرف مذکور وساطت نماید.

مبحث اول - حقوق و تکالیف دلال

ماده 43- دلال می تواند در رشته های مختلف دلالی کند و شخصاً نیز به تجارت بپردازد.

ماده 44- دلال می تواند در یک زمان برای چند آمر دلالی کند. در این صورت، باید آنها را از این موضوع و مسائل دیگری که ممکن است موجب تغییر رأی آنها شود آگاه کند.

ماده 45- دلال در مقابل هر یک از طرفین مسؤول خسارات ناشی از تقصیر خود است.

ماده 46- دلال باید اطلاعات صحیح و کاملی را در مورد جزئیات معاملات مرتبط با موضوع دلالی به طرفین معامله ارائه کند، حتی اگر دلالی را فقط برای یکی از طرفین انجام دهد.

ماده 47- دلال نمی تواند از سوی یکی از طرفین معامله وجهی را دریافت، دینی را تأدیه و یا اینکه تعهدات وی را اجراء کند، مگر اینکه چنین اجازه ای داشته باشد.

- ماده 48-** دلال مسئول حفظ و نگهداری کلیه اشیاء و اسنادی است که ضمن معاملات به او تسلیم می‌شود، مگر اینکه ثابت کند تلف اشیاء یا اسناد مذکور ناشی از علتی است که به شخص او یا کارکنان وی مستند نیست.
- ماده 49-** هرگاه اسناد معامله در حضور دلال، امضاء و یا به وسیله او رد و بدل شود، دلال ضامن اصالت امضاءهای مندرج در اسناد مذکور است.
- ماده 50-** دلال ضامن اجرای معاملاتی که به وساطت او منعقد می‌شود نیست.
- ماده 51-** دلال ضامن اعتبار اشخاصی است که به عنوان طرف معامله به امر خود معرفی می‌کند، مگر اینکه به موجب قرارداد بین طرفین دلال از این مسئولیت معاف شده باشد. با این حال، شرط عدم مسئولیت دلال مانع از رجوع به او در صورت تقصیر نخواهد بود. دلال در مقابل طرف قرارداد، ضامن اعتبار امر خود نیست.
- ماده 52-** دلال در مورد ارزش یا جنس کالای مورد معامله در برابر امر مسئول است، مگر اینکه به موجب قرارداد بین طرفین دلال از این مسئولیت معاف شده باشد. با این حال، شرط عدم مسئولیت دلال مانع از رجوع به وی در صورت تقصیر نیست.
- ماده 53-** هرگاه طرفین معامله یا یکی از آنها به اعتبار تعهد شخص دلال معامله کنند، دلال در مقابل متعهدگه مسئول اجرای معامله است.
- ماده 54-** چنانچه دلال در معامله موضوع قرارداد دلالتی ذی‌نفع یا سهم باشد، باید طرف ناآگاه را از این امر مطلع کند. در غیر این صورت مسئول خسارات وارد شده است و به جزای نقدی از یک‌دهم تا نصف ارزش مورد معامله محکوم می‌شود.
- ماده 55-** در صورتی که دلال در معامله سهم باشد، با امر خود متضامناً مسئول اجرای تعهد است.
- ماده 56-** دلال حق ندارد برخلاف تعهد خود در برابر شخصی که به وی مأموریت داده است، به نفع طرف دیگر معامله اقدام یا برخلاف عرف تجارتهی محل از وی وجهی دریافت یا وعده وجهی را قبول کند. در این صورت، دلال مستحق اجرت و هزینه‌های صرف شده نیست و به جزای نقدی درجه چهار و دو سال محرومیت از دلالتی محکوم می‌شود.
- مبحث دوم - اجرت و هزینه‌های دلال**
- ماده 57-** میزان اجرت دلال به موجب قرارداد تعیین می‌شود. در صورت وجود تعرفه مصوب مراجع ذی صلاح، میزان اجرت دلال نباید از تعرفه مذکور بیشتر باشد.
- ماده 58-** دلال نمی‌تواند اجرت را مطالبه کند، مگر معامله به وساطت او منعقد شود.
- ماده 59-** هرگاه معامله مشروط به شرط تعلیقی باشد، دلال پس از حصول شرط، مستحق اجرت است.
- ماده 60-** مخارجی که دلال در اجرای دلالتی با اذن یا اجازه امر متحمل شده است، حتی در صورت عدم انعقاد معامله نیز، قابل مطالبه است.
- ماده 61-** اجرت و مخارج دلال بر عهده طرفی است که او را مأمور می‌کند، مگر اینکه ترتیب دیگری مقرر شده باشد.
- ماده 62-** در صورتی که معامله اقاله یا به استناد یکی از اختیارات قانونی فسخ شود، حق مطالبه اجرت از دلال سلب نمی‌شود، مشروط بر اینکه اقاله یا فسخ معامله به دلال مستند نباشد.
- ماده 63-** دلالتی معاملات ممنوع اجرت ندارد.
- ماده 64-** در موردی که فروش از روی نمونه باشد، دلال باید نمونه کالا را تا پایان اجرای تعهدات طرفین یا زمانی

که در قرارداد معین شده است نگاه دارد، مگر اینکه به تراضی دو طرف از این قید معاف شده باشد. کالای فاسدشدنی از شمول این حکم مستثنی است.

ماده 65- دلال مکلف است از هرگونه افشای اسرار دو طرف معامله، که وی به اقتضای شغل خود از آن آگاه شده است، خودداری نماید. در صورت افشای اسرار مذکور یا استفاده از آنها برای مقاصد شخصی، مسؤول جبران خسارات وارده است.

ماده 66- دلال باید کلیه معاملاتی را که به وساطت او انجام گرفته است، با ذکر نوع و مشخصات معامله و طرفهای آن در یک دفتر الکترونیک ثبت کند.

فصل سوم - حق العمل کاری

ماده 67- حق العمل کاری عقدی است که به موجب آن شخصی در مقابل دیگری (آمر) تعهد می کند که به نام خود و حساب او معامله نماید.

مبحث اول - حقوق و تکالیف حق العمل کار

ماده 68- حق العمل کار باید آمر را از اقدامات خود آگاه کند و در صورت انجام دادن معامله به فوریت مراتب را با ذکر مشخصات و زمان معامله به او اطلاع دهد.

ماده 69- حق العمل کار مکلف به بیمه کردن موضوع معامله نیست، مگر اینکه آمر دستور داده یا قانون مقرر کرده باشد.

ماده 70- حق العمل کار مسؤول جبران کلیه خساراتی است که از تقصیر یا تقلب او ناشی می شود.

ماده 71- اگر کالایی که به منظور فروش برای حق العمل کار ارسال می شود دارای عیوب ظاهری باشد، حق العمل کار باید برای حفظ حق رجوع آمر به متصدی حمل و نقل و تعیین میزان خسارت، اقدامات لازم را انجام دهد و به نحو مقتضی کالا را محافظت و آمر را از اقدامات خود آگاه کند. در غیراین صورت مسؤول خسارت ناشی از این تقصیر است.

ماده 72- اگر فروش کالایی که برای حق العمل کار ارسال می گردد ممکن نشود و یا آمر از اذن فروش رجوع کند و کالا را بیش از حد متعارف نزد حق العمل کار بگذارد، وی می تواند آن را از طریق مؤسسه حراجی بفروشد.

ماده 73- در هر صورت، چنانچه بیم فساد سریع کالایی رود که به منظور فروش برای حق العمل کار ارسال شده است، حق العمل کار می تواند و در صورتی که منافع آمر ایجاب کند مکلف است کالا را با اطلاع دادستان محل استقرار کالا یا نماینده او بفروشد.

ماده 74- در صورتی که حق العمل کار بدون رضایت آمر مالی را به اقساط یا نسیه بفروشد یا به صورت سلف بخرد یا برای خرید، پیش پرداختی بدهد، ضررهای ناشی از آن برعهده وی است. با وجود این، اگر خرید یا فروش به نحو مذکور مطابق رویه بین طرفین یا عرف تجارتهی محل اجرای حق العمل کاری باشد، حق العمل کار به انجام آن مجاز است، مگر اینکه آمر دستور مخالفی داده باشد.

ماده 75- چنانچه حق العمل کار کالا را به کمتر از قیمتی که آمر معین کرده است بفروشد یا به قیمتی بیش از آنچه آمر معین کرده است بخرد، در برابر آمر مسؤول تفاوت قیمت است، مگر اینکه حق العمل کار ثابت کند معامله انجام شده به منظور جلوگیری از ورود ضرر بیشتر به آمر بوده و کسب اجازه از وی در آن زمان مقدور نبوده است.

ماده 76- اگر حق العمل کار کالا را به کمتر از قیمتی که آمر معین کرده است بخرد یا به بیشتر از قیمتی که آمر تعیین کرده است بفروشد، حق تصرف در تفاوت قیمت را ندارد و باید تفاوت آن را به حساب آمر منظور کند.

ماده 77- در موارد زیر حق العمل کار می تواند خود طرف معامله قرار گیرد:

1- چنانچه آمر صریحاً به حق العمل کار اذن داده باشد.

2- چنانچه حق العمل کار مأمور به خرید و یا فروش کالا، اسناد تجارتي و یا سایر اوراق بهاداری باشد که قیمت بورسی یا بازاری دارد، مگر اینکه آمر دستور مخالفی داده باشد.

ماده 78- در موارد مذکور در ماده (77) اگر آمر از امر خود رجوع کند و حق العمل کار قبل از ارسال خبر انجام معامله از این رجوع مطلع گردد، دیگر نمی تواند خود خریدار یا فروشنده باشد.

ماده 79- در موارد مذکور در ماده (77)، اگر معامله را بدون تعیین طرف معامله به آمر اطلاع دهد، خود طرف معامله محسوب می شود.

ماده 80- در مواردی که حق العمل کار خود نمی تواند طرف معامله واقع شود، مکلف است طرف معامله را به آمر معرفی نماید.

ماده 81- حق العمل کار در مقابل آمر مسؤول اجرای تعهدات طرف معامله نیست، مگر اینکه مجاز به معامله به اعتبار نباشد یا خود طرف معامله را ضمانت کرده باشد یا در قرارداد آمر و حق العمل کار مسؤولیت او مقرر شده باشد یا عرف تجارتي محل او را مسؤول بشناسد.

مبحث دوم - اجرت و هزینه های حق العمل کاری

ماده 82- مفاد ماده (57) این قانون درباره میزان حق العمل نیز مجری است. حق العمل کار در صورتی مستحق حق العمل است که معامله اجراء شده یا عدم اجرای آن به آمر مستند باشد. اگر معامله به علل دیگری که مستند به حق العمل کار نیست، اجراء نشود، حق العمل کار برای اقدامات خود فقط مستحق اجرتی است که عرف تجارتي محل اجرای حق العمل کاری معین می کند.

ماده 83- هزینه هایی که صرف آن برای انجام حق العمل کاری ضروری بوده است، حتی در صورت عدم استحقاق حق العمل نیز قابل مطالبه است، مگر اینکه در قرارداد ترتیب دیگری مقرر شده باشد.

ماده 84- در موارد مذکور در ماده (77) این قانون، حق العمل کار مستحق حق العمل و مخارج عادی حق العمل کاری است و باید قیمت را طبق نرخ بازار در روز انجام حق العمل کاری منظور کند.

ماده 85- در صورت تقلب حق العمل کار از جمله در موردی که حق العمل کار به حساب آمر قیمتی بیشتر از قیمت خرید یا کمتر از قیمت فروش محسوب کند، وی مستحق حق العمل نیست. علاوه بر این، در دو صورت اخیر آمر می تواند حق العمل کار را خریدار یا فروشنده محسوب کند.

ماده 86- حق العمل کار برای وصول مطالبات خود از آمر نسبت به اموال موضوع معامله یا قیمتی که اخذ کرده است، حق حبس دارد؛ با این حال در خصوص اموال قابل تجزیه نمی تواند بیش از طلب خود را حبس نماید.

فصل چهارم - نمایندگی تجارتي

ماده 87- نمایندگی تجارتي عبارت است از تعهد به بازاریابی، انجام مذاکرات مقدماتی، انعقاد قرارداد و یا ارائه خدمات به نام و به حساب دیگری، به نحو مستمر، بدون اینکه نماینده، مستخدم یا اجیر طرف دیگر باشد.

ماده 88- مقررات این فصل مانع اعمال مقررات مربوط به نمایندگی‌هایی که قانون در مورد آن‌ها ترتیب دیگری مقرر کرده است، نمی‌باشد.

مبحث اول - حقوق و تکالیف طرفین نمایندگی تجاری

ماده 89- نماینده تجاری می‌تواند نمایندگی اشخاص دیگر را نیز قبول کند، مگر اینکه به موجب قرارداد از قبول نمایندگی دیگری منع شده باشد. در هر حال، چنانچه نماینده تجاری نمایندگی شخص دیگری را بپذیرد که در همان موضوع نمایندگی با اعطاءکننده نمایندگی رقابت دارد، این موضوع را باید به اطلاع اعطاءکننده نمایندگی برساند.

ماده 90- اعطاءکننده نمایندگی می‌تواند در محدوده جغرافیایی مشخص به اشخاص متعدد نمایندگی تجاری اعطاء و یا خود به عرضه کالا و یا خدمات اقدام کند، مگر اینکه با نماینده تجاری به نحو دیگری توافق کرده باشد.

ماده 91- نماینده تجاری و اعطاءکننده نمایندگی باید اطلاعات لازم برای انجام نمایندگی از جمله پیش‌بینی خود در خصوص حجم معاملات و تغییرات آن و کلیه اسناد و مدارک مربوط به موضوع نمایندگی را مبادله کنند.

ماده 92- نماینده مسؤول تلف یا نقصان کالاهایی است که به حساب اعطاءکننده نمایندگی در تصرف دارد، مگر اینکه ثابت کند تلف یا نقص، مستند به او یا اشخاص تحت امر وی نبوده است.

ماده 93- نمایندگی تجاری باید در دفتر ثبت تجاری به ثبت برسد. در غیر این صورت محل اجرای نمایندگی مهر و موم (پلمب) می‌شود.

ماده 94- چنانچه اقامتگاه اعطاءکننده نمایندگی خارج از کشور باشد، نماینده تجاری نیز مسؤول اجرای قراردادهایی است که به عنوان نماینده با اشخاص ثالث منعقد کرده است.

ماده 95- قرارداد نمایندگی از حیث مدت محدود است، مگر این که بر نامحدود بودن آن تصریح شده باشد.

ماده 96- در قرارداد نمایندگی محدود، مدت نمایندگی باید در قرارداد نمایندگی تعیین شود و الا مدت نمایندگی دو سال فرض می‌شود.

ماده 97- چنانچه اعطاءکننده نمایندگی قرارداد را پیش از موعد فسخ نماید، نماینده مستحق خسارات وارد شده خواهد بود، مشروط بر اینکه این فسخ ناشی از تقصیر نماینده نباشد. فسخ قرارداد نمایندگی نامحدود پیش از دو سال از زمان اجرائی شدن قرارداد نیز مشمول همین حکم است.

ماده 98- در صورت عدم ایفای تعهدات از سوی هریک از طرفین نمایندگی تجاری، از جمله قطع رابطه نمایندگی به وسیله یکی از طرفین بدون علت موجه، متخلف مسؤول جبران زیانهای وارد شده به طرف مقابل است. چنانچه رابطه نمایندگی قطع شود، زیان دیده باید ظرف مدت یک سال از تاریخ قطع رابطه برای مطالبه خسارات وارد شده اقامه دعوا کند.

ماده 99- قرارداد نمایندگی ممکن است متضمن شرط عدم رقابت پس از خاتمه قرارداد باشد. این شرط باید به منطقه جغرافیایی مشخص، نوع کالاها و خدماتی که موضوع قرارداد نمایندگی است و گروه اشخاصی که فعالیت نماینده تجاری به آنها مربوط می‌شود، محدود باشد و الا باطل است. شرط عدم رقابت، حداکثر تا دو سال پس از خاتمه قرارداد معتبر است.

مبحث دوم - اجرت و هزینه‌های نماینده تجاری

ماده 100- میزان اجرت نماینده به موجب قرارداد تعیین می‌شود.

ماده 101- نماینده تجاری حسب اینکه موضوع نمایندگی انجام بازاریابی و یا مذاکرات مقدماتی، انعقاد قرارداد یا

ارائه خدمات باشد، به ترتیب به محض انعقاد قرارداد به وسیله اعطاءکننده نمایندگی، اجرای قرارداد یا ارائه خدمت به وسیله نماینده، مستحق اجرت می شود. چنانچه عدم انعقاد یا اجرای قرارداد مستند به اعطاءکننده نمایندگی باشد، نماینده حسب مورد، پس از گذشت زمان متعارفی که قرارداد باید در آن مدت منعقد می شد یا پس از گذشت زمانی که قرارداد باید در آن مدت اجراء می گردید، مستحق اجرت می شود. اگر معامله به علل دیگری منعقد یا اجراء نشود، نماینده تجارتي برای اقدامات خود فقط مستحق اجرتی است که عرف محل اجرای نمایندگی معین می کند، مشروط بر آنکه عدم انعقاد یا اجراء مستند به نماینده نباشد.

ماده 102- نماینده انحصاری از بابت کلیه اقدامات اعطاءکننده نمایندگی در حدود موضوع قرارداد و یا اشخاصی که به حساب اعطاءکننده نمایندگی در حوزه نمایندگی انحصاری اقدام کرده اند، مستحق اجرت خواهد بود.

ماده 103- اگر اعطاءکننده نمایندگی ظرف مدت متعارف، نماینده را از عدم انعقاد یا عدم اجرای قراردادی که نماینده حسب مورد مذاکرات مقدماتی آن را انجام داده یا آن را منعقد کرده است، مطلع نکند، نماینده مستحق اجرت است مگر اینکه طرفین به نحو دیگری توافق کرده باشند.

ماده 104- پس از خاتمه قرارداد نمایندگی، نماینده تجارتي حسب مورد، بابت انعقاد یا اجرای قراردادهایی که در مدت متعارفی پس از خاتمه قرارداد نمایندگی و در نتیجه فعالیت های نماینده در طول دوره نمایندگی منعقد یا اجراء می شوند، مستحق اجرت است.

ماده 105- چنانچه طبق ماده (104) این قانون نماینده تجارتي سابق مستحق اجرت باشد، نماینده جدید در آن مورد حق مطالبه اجرت ندارد، مگر اینکه قرارداد وی با اعطاءکننده نمایندگی استحقاق اجرت را ایجاب کند یا فعالیت او نیز در انعقاد یا اجرای قرارداد مؤثر بوده است که در این صورت بر اساس شرایط و اوضاع و احوال اجرت بین آنان تقسیم می شود.

ماده 106- اعطاءکننده نمایندگی باید حداکثر ظرف مدت سه ماه از تاریخ استحقاق اجرت، فهرست اجرت های پرداخت نشده را به نماینده تجارتي تسلیم کند. این فهرست باید شامل همه معیارهایی باشد که اجرت براساس آنها محاسبه شده است. همه اطلاعات و خلاصه اسناد مالی مربوط باید به فهرست مذکور ضمیمه شود.

ماده 107- درموردی که قرارداد نمایندگی برای مدت معین منعقد شده است و دو طرف پس از انقضای مدت آن را ادامه می دهند، تعهدات قراردادی آنها باقی است، مگر آنکه یکی از دو طرف با اخطار قبلی سه ماهه آن را خاتمه دهد. دو طرف قرارداد نمی توانند به مهلتی کمتر از مهلت مذکور توافق کنند و اگر به مدت بیشتر توافق نمایند، مهلت پیش بینی شده برای اعطاءکننده نمایندگی نباید کوتاهتر از مهلتی باشد که برای نماینده تجارتي پیش بینی شده است. چنانچه قرارداد به علت تقصیر یکی از دو طرف یا حادثه خارجی غیرقابل پیش بینی غیرقابل رفع منحل شود، مقررات این ماده لازم الرعایه نیست. اگر قرارداد برای مدت نامحدود منعقد شده باشد، مقررات این ماده مجری است.

ماده 108- هرکس بر خلاف واقع ادعای نمایندگی از طرف دیگری نماید، علاوه بر جبران خسارات وارد شده، به جزای نقدی درجه سه محکوم می شود.

فصل پنجم - حمل و نقل

ماده 109- قرارداد حمل و نقل قراردادی است که به موجب آن متصدی حمل و نقل در برابر دیگری تعهد می کند که در مقابل اجرت، اشخاص و یا کالاهایی را از محلی به محل دیگر حمل کند. شخصی که به نام یا به حساب

وی با متصدی حمل و نقل قرارداد بسته شده یا کالا به نام یا به حساب وی به متصدی حمل و نقل تحویل داده شده است، فرستنده و شخصی که مجاز به دریافت کالا در مقصد می‌باشد، گیرنده نامیده می‌شود.

تبصره - کالا شامل هرگونه مال منقول می‌گردد. درموردی که کالا در داخل بارگنج (کانتینر)، جعبه، قفس یا بارکف (پالت) یا هر وسیله مشابه دیگری قرار داده شده یا به گونه‌ای بسته‌بندی شده است، کالا شامل بارگنج (کانتینر)، جعبه، قفس، بارکف (پالت) و وسایل مشابه دیگر نیز می‌گردد، به شرط آنکه به وسیله فرستنده تهیه شده باشد.

ماده 110- حمل و نقل به وسیله پست و همچنین قراردادهای اجاره وسایل نقلیه زمینی، هوایی، ریلی و یا دریایی تابع مقررات این فصل نیست. قراردادهای حمل و نقل، هرچند به صورت قرارداد اجاره تنظیم شود، مشمول این فصل است.

ماده 111- قراردادهای مشمول معاهدات بین‌المللی که دولت ایران به آنها پیوسته است، مشمول مقررات این فصل نیست. در موارد سکوت این قانون، حسب مورد مقررات معاهدات بین‌المللی که دولت ایران به آنها پیوسته است تا حدی که بر حمل و نقل داخلی قابل اعمال باشد مجری است.

مبحث اول - حقوق و تکالیف متصدی حمل و نقل

ماده 112- متصدی حمل و نقل مکلف است کالا را به طور سالم به مقصد برساند. اگر کالا تلف یا گم شود، متصدی حمل و نقل مسؤول قیمت کالا در روز پرداخت و خسارات آن است، مگر اینکه ثابت کند تلف یا گم شدن کالا به جنس آن و یا تقصیر فرستنده و یا گیرنده منسوب است و یا ناشی از دستورات و یا اطلاعاتی بوده که یکی از آنها داده‌اند و یا به حوادث خارجی غیرقابل پیش‌بینی غیرقابل رفع مستند است. طرفین می‌توانند در قرارداد برای میزان خسارت، مبلغی بیشتر از قیمت کل کالا را معین کنند اما شرط تحدید خسارت به کمتر از قیمت کالا باطل است.

ماده 113- اگر بسته‌بندی کالا عیب ظاهری داشته باشد و متصدی حمل و نقل نیز کالا را بدون قید عدم مسؤولیت قبول کند، مسؤول خسارت است.

ماده 114- متصدی حمل و نقل مطابق این قانون مسؤول خساراتی است که در مدت حمل و نقل واقع می‌شود، اعم از اینکه خود مباشر حمل و نقل باشد یا متصدی حمل و نقل دیگری را مأمور کرده باشد. در صورت اخیر متصدی حمل و نقل حق رجوع به حمل‌کننده و یا متصدی حمل و نقل فرعی را دارد.

تبصره - متصدی حمل و نقل فرعی متصدی حمل و نقلی است که اجرای قرارداد حمل و نقل یا اجرای بخشی از آن توسط متصدی حمل و نقل اصلی به او واگذار شده است.

ماده 115- در مورد خسارات ناشی از تأخیر تسلیم، عیب و یا نقص کالا، متصدی حمل و نقل در حدود ماده (112) این قانون مسؤول است. میزان خسارات مذکور نباید از خسارات ناشی از تلف تمام کالا تجاوز کند، مگر اینکه در قرارداد، خلاف این ترتیب مقرر شده باشد.

تبصره 1- تأخیر در تسلیم هنگامی رخ می‌دهد که کالا در مدت یا تاریخ مورد توافق و در صورت فقدان چنین توافقی، در مدت متعارفی که با توجه به اوضاع و احوال از متصدی مواظب انتظار می‌رود یا قبل از آن، به گیرنده تسلیم نشده باشد.

تبصره 2- اگر از موعد تحویل کالا مطابق تبصره (1) این ماده بیش از شصت روز سپری شده و کالا به گیرنده تحویل نشده باشد، مدعی خسارت می‌تواند آن را تلف یا گمشده فرض کند.

ماده 116- چنانچه کالا بدون هیچ قیدی توسط گیرنده قبول و کرایه آن تأدیه شود، هیچ دعوایی علیه متصدی

حمل و نقل جز در مورد تدلیس و یا تقصیر سنگین پذیرفته نمی شود. با این حال، متصدی حمل و نقل مسئول خسارات غیرظاهر است، مشروط بر اینکه گیرنده، آن خسارت را به فوریت پس از مشاهده به متصدی حمل و نقل اطلاع دهد. این اطلاعیه باید حداکثر تا سی روز بعد از تحویل گرفتن کالا ارسال شود.

ماده 117- متصدی حمل و نقل باید به محض رسیدن کالا به مقصد، گیرنده را مطلع کند.

ماده 118- اگر گیرنده کالا را قبول نکند یا در دسترس نباشد و یا مخارج و سایر مطالبات متصدی حمل و نقل بابت حمل کالا مطابق قرارداد تأدیه نشود، متصدی حمل و نقل باید مراتب را به فرستنده اطلاع دهد و کالا را به طور موقت نزد خود به عنوان امانت نگهدارد یا نزد ثالثی به امانت گذارد. در این موارد، هزینه های ناشی از این امر بر عهده فرستنده است و متصدی حمل و نقل مسئول خسارات ناشی از نقص و عیب نیست، مگر آنکه تقصیر او ثابت شود.

ماده 119- گیرنده ای که بدو از گرفتن کالا امتناع کرده است می تواند از متصدی حمل و نقل بخواهد که کالا را به وی تحویل دهد، مگر آنکه در این مدت فرستنده دستور مخالفی صادر کرده باشد.

ماده 120- اگر فرستنده و یا گیرنده، در فروض موضوع ماده (118) این قانون، در مدت مناسبی تکلیف کالا را معین نکنند یا هزینه هایی که برای کالا شده است از قیمت آن بیشتر شود، متصدی حمل و نقل می تواند و در صورتی که منافع صاحب کالا اقتضاء می کند، مکلف است آن را از طریق مؤسسه حراجی بفروشد.

ماده 121- اگر کالا در معرض ضایع شدن سریع باشد، متصدی حمل و نقل باید به فوریت کالا را از طریق مؤسسه حراجی بفروشد.

ماده 122- مسؤولیت متصدی حمل و نقل کالا از لحظه ای شروع می شود که کالا در مبدأ حمل در اختیار او، نماینده یا قائم مقام وی قرار می گیرد و تا زمانی که در مقصد در اختیار گیرنده، نماینده یا قائم مقام وی قرار داده شود، ادامه دارد.

ماده 123- مهلت اقامه دعوی خسارت علیه متصدی حمل و نقل، جز در موارد تدلیس و تقصیر سنگین، یک سال است. مبدأ این مدت در مورد تلف یا گم شدن کالا یا تأخیر در تسلیم، روزی است که کالا باید در آن روز به گیرنده تسلیم می گردید و در مورد سایر خسارات وارد شده به کالا، روزی است که مال به گیرنده تسلیم شده است.

ماده 124- متصدی حمل و نقل مسئول جبران کلیه خسارات جانی مسافران است، مگر اینکه ثابت کند خسارت به خود مسافر و یا حوادث خارجی غیرقابل پیش بینی غیرقابل رفع مستند است. در مورد خسارات وارد شده بر کالاهای مسافران رعایت مواد (112) تا (116) و (123) این قانون الزامی است.

مبحث دوم - حقوق و تکالیف فرستنده و گیرنده کالا

ماده 125- فرستنده کالا باید موارد زیر را به متصدی حمل و نقل اطلاع دهد:

- 1- هویت و نشانی دقیق گیرنده
- 2- نشانی دقیق محل تحویل کالا
- 3- تعداد بسته ها و روش بسته بندی
- 4- وزن و محتوای بسته ها
- 5- زمان مقرر برای تسلیم کالا به گیرنده
- 6- مسیر حمل کالا
- 7- فهرست اشیای گرانبها و قیمت آنها

8- چنانچه کالا در طول مدت حمل نیاز به مراقبت مخصوص داشته باشد، مانند کالاهای خطرناک، آتش‌زا، تبخیرشونده، فاسدشدنی، خورنده و حیوانات، خطرات احتمالی ناشی از حمل و نیز دستورهای لازم برای نگهداری و حمل آنها

9- اسناد لازم برای حمل کالا در صورت اقتضاء

ماده 126- خسارات ناشی از عدم اطلاع موارد مذکور در ماده (125) این قانون یا اطلاع‌رسانی نادرست آنها با رعایت موارد زیر بر عهده فرستنده است:

1- در خصوص بند (8) ماده (125) این قانون اگر متصدی از خطرات حمل کالا مطلع بوده یا عرفاً باید مطلع باشد نمی‌تواند به عدم اطلاع‌رسانی فرستنده استناد نماید.

2- اگر فرستنده مسیر معینی را برای حمل تعیین نکرده باشد متصدی حمل و نقل باید بهترین مسیر را انتخاب کند و در غیر این صورت و نیز در صورتی که خلاف مسیر معین شده را بپیماید مسؤول خسارات وارده است مگر آنکه اثبات نماید منافع فرستنده تغییر مسیر را ایجاب می‌نموده و در آن زمان امکان اخذ دستور جدید برایش مقدور نبوده است.

3- چنانچه اسنادی برای حمل کالا لازم باشد، فرستنده مکلف است این اسناد را در اختیار متصدی قرار دهد. مسؤولیت نقص اسناد مذکور یا عدم مطابقت آن با فرستنده است. با این حال اگر متصدی از نقص یا عدم مطابقت اسناد مذکور مطلع بوده یا عرفاً باید مطلع باشد نمی‌تواند به کامل نبودن یا اطلاع ندادن فرستنده استناد نماید.

ماده 127- فرستنده باید کالا را به طرز مناسب بسته‌بندی کند و عهده‌دار خسارت ناشی از عیوب بسته‌بندی است، ولی خسارات ناشی از بارگیری، بارچینی و تخلیه نادرست بر عهده متصدی حمل و نقل است.

ماده 128- تا زمانی که کالا در تصرف متصدی حمل و نقل است، فرستنده می‌تواند آن را با پرداخت مخارج و خساراتی که متصدی حمل و نقل متحمل شده است، مسترد کند. همچنین تا زمانی که کالا در تصرف متصدی حمل و نقل است، فرستنده می‌تواند توقف حمل یا تغییر مقصد یا تغییر گیرنده کالا را دستور دهد، به شرطی که نسخه اول بارنامه که در بردارنده دستورهای جدید است به متصدی ارائه شده و هزینه دستورهای جدید نیز پرداخت یا تضمین گردد. در این صورت متصدی مکلف به رعایت دستورهای صادر شده است، مشروط بر اینکه امکان اجرای دستورهای مذکور وجود داشته باشد و لطمه‌ای به حقوق فرستندگان و گیرندگان سایر کالاهایی که با همان کالاهای دستوردهنده حمل می‌شوند نرزد و موجب تقسیم کالاها نشود.

ماده 129- در موارد زیر فرستنده نمی‌تواند از حق مذکور در ماده (128) این قانون استفاده کند:

1- بارنامه به گیرنده تسلیم شده باشد.

2- متصدی حمل و نقل به فرستنده کالا رسیدی داده باشد و فرستنده نتواند آن را مسترد کند.

3- در صورتی که متصدی حمل و نقل به گیرنده اعلام کرده باشد که کالا به مقصد رسیده و باید آن را تحویل گیرد.

4- گیرنده، پس از رسیدن کالا به مقصد، تسلیم آن را تقاضا کرده باشد.

5- در بارنامه قید شده باشد که حق در اختیار گرفتن کالا به گیرنده منتقل شده است.

ماده 130- متصدی حمل و نقل در موارد مذکور در ماده (129) این قانون باید مطابق دستور گیرنده عمل کند.

با این حال در بند (2) ماده مذکور، مادام که کالا به مقصد نرسیده است، متصدی حمل و نقل نباید از دستور گیرنده تبعیت کند، مگر اینکه رسید مذکور به گیرنده تسلیم شده باشد و گیرنده آن را به متصدی حمل ارائه کند. همچنین چنانچه گیرنده از گرفتن کالا امتناع ورزد، فرستنده بدون اینکه مجبور به ارائه نسخه اول بارنامه باشد، حق موضوع

ماده (128) این قانون را خواهد داشت. در این صورت گیرنده‌ای که از گرفتن کالا امتناع کرده است می‌تواند از متصدی بخواهد که کالا را تحویل وی دهد مگر آنکه در این مدت فرستنده دستور مخالفی صادر کرده باشد.

ماده 131- اگر گیرنده میزان مخارج و سایر وجوهی را که متصدی حمل و نقل بابت حمل کالا مطالبه می‌کند قبول نکند، حق ندارد تسلیم کالا را تقاضا کند، مگر اینکه مبلغ مورد اختلاف را تا ختم اختلاف در صندوق دادگستری تودیع کند. چنانچه مبلغ مطالبه شده نامتعارف باشد، دادگاه به تقاضای گیرنده بر اساس توافقات دو طرف، مقررات و یا عرف تجارتهی مبلغ لازم‌التودیع را مشخص می‌کند.

ماده 132- در هر موردی که بین متصدی حمل و نقل و گیرنده اختلافی باشد، دادگاه صالح می‌تواند به تقاضای یکی از طرفین دستور دهد که کالا تا ختم دادرسی نزد شخص ثالثی به امانت گذاشته یا در صورت ضرورت فروخته شود. تودیع یا فروش باید پس از تنظیم صورت‌مجلسی حاکی از وضع کالا و یا ضرورت فروش عندالاقضاء انجام گیرد. با پرداخت تمام مخارج و وجوهی که بابت کالا ادعا می‌شود یا سپردن آن به صندوق دادگستری می‌توان از فروش کالا جلوگیری کرد. چنانچه مبلغ مطالبه شده نامتعارف باشد، دادگاه به تقاضای گیرنده بر اساس توافقات دو طرف مبلغی را که تودیع آن لازم است، مشخص می‌کند.

مبحث سوم - بارنامه

ماده 133- بارنامه سندی است که بنا بر تقاضای فرستنده توسط متصدی حمل و نقل یا نماینده او صادر می‌شود و بر مالکیت کالا برای دارنده آن، وجود قرارداد حمل و نقل، دریافت کالا توسط متصدی و تعهد وی مبنی بر تسلیم کالا در ازای دریافت آن، دلالت می‌کند.

ماده 134- بارنامه، علاوه بر امضاء یا مهر و امضای متصدی حمل و نقل، حداقل باید حاوی اطلاعات ذیل باشد:

- 1- عنوان «بارنامه»؛
- 2- مکان و تاریخ صدور سند؛
- 3- هویت فرستنده؛
- 4- هویت متصدی حمل و نقل؛
- 5- هویت گیرنده کالا، اگر بارنامه به نفع حامل نباشد؛
- 6- مبدأ و مقصد کالا؛
- 7- اطلاعات ویژه‌ای که کالای موضوع قرارداد را مشخص می‌کند مانند: وزن، حجم، کیفیت بسته‌بندی، تعداد بسته‌ها و هر اطلاع دیگری که برای تعیین ماهیت کالا و قیمت آن لازم است.
- 8- تاریخ تحویل کالا یا مدتی که کالا باید در آن مدت تسلیم شود و تاریخ بارگیری؛
- 9- اجرت حمل و نقل و هزینه‌های دیگر با بیان این که بر عهده فرستنده است یا گیرنده.
- 10- شرایطی که در قرارداد حمل و نقل بیان شده است از قبیل شرایط ویژه بارگیری یا تخلیه؛ نوع وسیله انتخابی، مسیر تعیین شده، حدود مسئولیت‌ها و اعلام صریح خطرناک بودن کالا در موارد مقتضی؛
- 11- وضعیت ظاهری کالا.

تبصره 1- بارنامه به صورت الکترونیک صادر و یک نسخه چاپی از آن که به امضاء یا مهر و امضای صادرکننده رسیده است، به فرستنده تسلیم می‌شود. در صورت تعارض بین مفاد نسخه چاپی و نسخه الکترونیک، مفاد نسخه الکترونیک معتبر است.

تبصره 2- عدم ذکر مفاد بند (9) این ماده در بارنامه، اماره بر این است که اجرت و سایر هزینه‌ها بر عهده

فرستنده است و متصدی حمل و نقل نمی‌تواند از شخص ثالث ناآگاهی که بارنامه به او انتقال یافته است، اجرت و سایر هزینه‌ها را مطالبه نماید.

تبصره 3- وزارت راه و شهرسازی مکلف است سامانه متمرکزی برای صدور بارنامه الکترونیک به وسیله متصدیان حمل و نقل ایجاد کند، به نحوی که امکان استعلام اصالت بارنامه برای دریافت‌کنندگان نسخه چاپی آن فراهم باشد.

ماده 135- بارنامه ممکن است به صورت «قابل انتقال» یا «غیرقابل انتقال» صادر شود. بارنامه قابل انتقال محسوب می‌شود، مگر آنکه خلاف آن در بارنامه تصریح شده باشد.

ماده 136- بارنامه «قابل انتقال» بنابر تقاضای فرستنده ممکن است به حواله‌کرد شخص معین یا به نفع حامل صادر شود. در صورتی که بارنامه به حواله‌کرد شخص معین صادر شده باشد با امضای دارنده در ظهر بارنامه قابل انتقال است. بارنامه‌ای که به نفع حامل صادر شده باشد با قبض و اقباض قابل انتقال است.

ماده 137- در بارنامه «غیرقابل انتقال» ذکر نام گیرنده الزامی است و نقل و انتقال آن مشمول این ماده نیست.

ماده 138- در صورت انتقال بارنامه، متصدی حمل و نقل نمی‌تواند در برابر شخص ثالث ناآگاه از جمله گیرنده به عدم دریافت کالا و در خصوص بارنامه «بارگیری شده» به عدم بارگیری آن وفق بارنامه استناد نماید.

ماده 139- فرستنده در برابر متصدی حمل و نقل مسئول اظهاراتی است که برای درج در بارنامه در مورد مشخصات کالا مانند جنس، وزن و تعداد آن ارائه کرده است. در هر صورت متصدی حمل و نقل نمی‌تواند در برابر شخص ثالث ناآگاه به خلاف واقع بودن اظهارات فرستنده استناد نماید.

ماده 140- در صورتی که متصدی حمل و نقل یا نماینده او ظن قوی و موجه در خصوص عدم صحت اظهارات مذکور در بند (7) ماده (134) این قانون از سوی فرستنده، داشته باشد و به دلیل مواردی از قبیل بارگیری شدن یا نحوه بسته‌بندی کالا، امکان شناسایی یا تعیین وزن و سایر خصوصیات آن وجود نداشته باشد، متصدی حمل و نقل یا نماینده او باید مواردی را که ظن به عدم صحت آن دارد به همراه دلایل خود در بارنامه قید نماید. در این صورت متصدی حمل و نقل در برابر فرستنده و شخص ثالث مسئول خسارات ادعایی در خصوص موارد قیدشده نیست. صدور بارنامه بدون هیچ قیدی، دلالت بر این دارد که کالا به نحو مذکور در بارنامه تحویل گرفته شده است.

ماده 141- دریافت بارنامه از سوی فرستنده و عدم اعتراض به مفاد آن به معنای پذیرش موارد مندرج در آن است. در صورت پذیرش بارنامه از سوی فرستنده اگر شرایط بارنامه با شرایط قرارداد حمل و نقل مغایر باشد، شروط مندرج در بارنامه ملاک عمل است.

ماده 142- در صورتی که بارنامه صادر نشده باشد، فرستنده می‌تواند از متصدی حمل و نقل بخواهد رسیدی امضاء شده مبنی بر دریافت کالای موضوع قرارداد حمل و نقل را به وی تحویل دهد. رسید مذکور دلالت بر وجود قرارداد حمل و نقل بین طرفین داشته و به هنگام صدور بارنامه باید به متصدی حمل یا نماینده او مسترد گردد.

ماده 143- تاریخ صدور بارنامه به عنوان تاریخ حمل تلقی می‌شود، مگر اینکه بارنامه شامل یادداشت بارگیری با درج تاریخ حمل باشد که در این صورت تاریخ درج شده در یادداشت بارگیری به عنوان تاریخ حمل تلقی می‌شود. در صورتی که صادرکننده بارنامه هنگام تنظیم بارنامه تاریخ آن را مقدم بر تاریخ صدور بگذارد در مقابل تحویل‌گیرنده کالا مسئول کلیه خسارات وارده به علت این تغییر تاریخ می‌باشد.

فصل ششم - قرارداد امانت‌گذاری در انبار عمومی

ماده 144- امانت‌گذاری در انبار عمومی قراردادی است که به موجب آن انباردار تعهد می‌کند کالایی را در قبال

صدور قبض انبار و قبض وثیقه تحویل گیرد و به حساب دارنده یا دارندگان اسناد مذکور نگهداری کند.

ماده 145- قبض انبار و قبض وثیقه به صورت الکترونیک صادر و یک نسخه چاپی از هریک از آنها که به امضاء یا مهر و امضای صادرکننده رسیده است، به امانت‌گذار تسلیم می‌شود. قبض انبار و قبض وثیقه باید دارای شماره انحصاری باشد و نحوه صدور آن به موجب آیین‌نامه اجرائی موضوع ماده (177) این قانون تعیین می‌شود.

ماده 146- قبض انبار، علاوه بر امضاء یا مهر و امضای متصدی انبار عمومی، حداقل باید حاوی اطلاعات زیر باشد:

1- عنوان «قبض انبار»؛

2- هویت کامل امانت‌گذار؛

3- هویت شخصی که قبض به نام و یا به حواله‌کرد او صادر می‌شود؛

4- نشانی کامل امانت‌گذار؛

5- جنس، وصف، مقدار یا تعداد و ارزش کالا؛

6- تاریخ تودیع کالا؛

7- نام و نشانی انبار عمومی و هویت متصدی آن؛

8- هویت و اقامتگاه شرکت بیمه‌گر انبار عمومی؛

9- میزان پوشش بیمه‌ای کالای تودیع‌شده؛

10- تأدیه یا عدم تأدیه حقوق دولتی؛

11- اجرت انباردار، شیوه پرداخت و مسئول پرداخت آن.

ماده 147- قبض وثیقه علاوه بر عنوان «قبض وثیقه» مشتمل بر موارد مذکور در بندهای (2) تا (10) ماده (146)

است و باید به صورت الکترونیک به قبض انبار ضمیمه شود.

ماده 148- در صورت تعارض بین مفاد نسخه چاپی و نسخه الکترونیک، مفاد نسخه الکترونیک معتبر است.

ماده 149- متصدی انبار عمومی مسئول حفظ و نگهداری کالایی است که به وی سپرده شده است. اگر کالای

تودیع‌شده تلف، گم یا ناقص شود، متصدی انبار عمومی مسئول جبران خسارت به میزان ارزش اظهارشده در قبض انبار است، مگر این‌که ثابت کند ورود خسارت از حوادث خارجی غیرقابل پیش‌بینی غیرقابل رفع ناشی شده و یا به عیوب بسته‌بندی خود کالا مربوط بوده است.

ماده 150- چنانچه در کالای تودیع‌شده تغییراتی حاصل شود که نگهداری آن موجب افزایش هزینه نگهداری

باشد، متصدی انبار مکلف است این امر را به مالک کالا اطلاع دهد.

ماده 151- متصدی انبار مکلف است هرگونه ادعای اشخاص ثالث در خصوص مال به وثیقه گذاشته‌شده یا

هرگونه توقیف قضائی آنها را به اطلاع و دایعه‌گذار برساند.

ماده 152- اگر بسته‌بندی عیب‌ظاهر داشته و انبار عمومی کالا را بدون قید عدم مسئولیت در قبض انبار و قبض

وثیقه قبول کرده باشد، مسئول خسارات است.

ماده 153- متصدی انبار عمومی باید کالای تودیع‌شده را در قبال مفقود شدن، آتش‌سوزی و سرقت بیمه کند.

در صورتی که کالاهای تودیع‌شده قبلاً بیمه شده باشد، متصدی انبار تکلیفی بر بیمه کردن کالاهای ندارد مگر بعد از سپری شدن زمان بیمه مذکور یا در صورتی که این بیمه برای پوشش دادن ضررهای احتمالی ناکافی باشد.

ماده 154- در صورتی که کالای تودیع‌شده تلف، گم یا ناقص شود، متصدی انبار عمومی، دارنده قبض انبار و

قبض وثیقه نسبت به خسارات تأدییه شده از جمله خسارات تأدییه شده به وسیله بیمه همان حقوقی را خواهند داشت که نسبت به خود کالاها داشتند.

ماده 155- اگر کالای تودییه شده در معرض تضییع سریع باشد و استیذان از دارنده قبض انبار مقدور نباشد، ماده (121) این قانون لازم‌الرعایه است.

ماده 156- متصدی انبار عمومی به میزان مطالبات خود از صاحب کالا بابت اجرت نگهداری کالا، نسبت به کالاهای تودییه شده در انبار و یا حاصل فروش کالا در موارد تعیین شده در این فصل، حق حبس دارد.

ماده 157- تخلیه و بارگیری کالا در انبارهای عمومی بر عهده متصدی انبار است، مگر اینکه بر خلاف آن تصریح شده باشد. در هر صورت متصدی انبار مسئول خساراتی است که از چیدن نادرست کالاها در انبار وارد می‌شود.

ماده 158- متصدی انبار عمومی نمی‌تواند تحت هیچ عنوان، خواه به حساب خود یا به حساب دیگری، به فعالیت تجارتي بپردازد که موضوع آن کالاهایی از نوع همان کالایی باشد که وی مجاز به صدور قبض انبار و وثیقه برای آنها است. در غیر این صورت به محرومیت از صدور قبض انبار و قبض وثیقه به مدت شش ماه تا دو سال و جزای نقدی درجه چهار محکوم می‌شود. شرکا و یا سهامداران شرکت متصدی انبار عمومی نیز که بیش از ده درصد (10%) سرمایه ثبت شده شرکت را دارند از انجام فعالیت تجارتي در همان موضوع ممنوع می‌باشند. در غیر این صورت به محرومیت از ثبت نام در دفتر ثبت تجارتي و جزای نقدی درجه چهار محکوم می‌شود.

ماده 159- متصدیان انبارهای عمومی مکلفند علاوه بر دفاتری که تنظیم و نگهداری آنها به موجب قوانین و مقررات ضروری است، دفتری الکترونیک را به ثبت کلیه کالاهایی که برای نگهداری در انبار عمومی تحویل می‌گیرند، اختصاص دهند. شماره قبض انبار و کلیه مندرجات آن باید به ترتیب تاریخ در این دفتر ثبت گردد. متصدی انبار عمومی باید امکان استعمال الکترونیک اصالت قبض انبار و قبض وثیقه‌ای را که صادر کرده است، برای متقاضی دریافت آن مطابق آیین‌نامه اجرائی موضوع ماده (177) این قانون فراهم نماید.

ماده 160- وزارت صنعت، معدن و تجارت مکلف است سامانه متمرکزی برای صدور قبض انبار و قبض وثیقه الکترونیک به وسیله متصدیان انبارهای عمومی ایجاد کند، به نحوی که امکان استعمال اصالت قبوض مذکور برای دریافت کنندگان نسخه چاپی آن فراهم باشد.

ماده 161- امانت‌گذار باید جنس، نوع، مقدار یا تعداد، ارزش و سایر خصوصیات مؤثر در تعیین ماهیت کالا و نحوه بستهبندی کالای تودییه شده را به اطلاع متصدی انبار عمومی برساند.

ماده 162- امانت‌گذار، دارنده برگ وثیقه و یا قائم مقام او حق دارد در هر زمان از ساعت کاری انبار، از وضعیت کالایی که در انبار به امانت گذاشته اطلاع حاصل کرده و نمونه‌ای از آن را بررسی نماید؛ مگر آنکه در این خصوص بین طرفین، توافق دیگری وجود داشته باشد.

ماده 163- هرگاه کالای امانت گذاشته شده‌ای که قبض انبار و قبض وثیقه آن دریافت شده از اشیاء مثلی باشد، امانت‌گذار می‌تواند آن را با کالایی از همان نوع و با همان وصف که در قبض رسید و قبض وثیقه به آنها تصریح شده عوض کند. در این صورت همه حقوق دارنده قبض انبار و قبض وثیقه و امتیازات آنها به کالای جدید تعلق می‌گیرد.

ماده 164- امانت‌گذار می‌تواند کالای خود را به مجموعه‌های متعدد تجزیه و برای هر یک از مجموعه‌های مذکور قبض انبار و قبض وثیقه جداگانه درخواست کند. همچنین امانت‌گذار یا قائم مقام او می‌تواند با ارائه قبض انبار و قبض وثیقه و در صورت نبود قبض وثیقه با تودییه طلب و متفرعات احتمالی دارنده قبض وثیقه نزد صندوق انبار، قبض انبار

و قبض وثیقه جدید در خصوص تمام یا بخشی از کالاها دریافت نماید.

ماده 165- اگر دارنده قبض انبار کالا را بدون هیچ قیدی قبول و مخارج آن را تأدیه کند هیچ دعوی علیه متصدی انبار عمومی جز در مورد تدلیس یا تقصیر سنگین پذیرفته نمی‌شود. با این حال، متصدی انبار عمومی مسئول خسارات غیرظاهر است، مشروط بر اینکه گیرنده کالا پس از تسلیم کالا مراتب را فوراً به صورت کتبی به اطلاع متصدی انبار عمومی رسانده باشد. در هر حال این اطلاعیه باید حداکثر تا سی روز پس از تحویل گرفتن کالا ارسال شود. دعوی خسارت علیه متصدی انبار عمومی حداکثر باید ظرف مدت یک سال اقامه شود. در غیر این صورت مفاد این ماده در خصوص مسئولیت متصدی انبار عمومی مجری نمی‌باشد. موارد تدلیس و تقصیر سنگین مشمول مهلت مذکور نیست.

ماده 166- قبض انبار حسب درخواست امانت‌گذار به نام و یا به حواله‌کرد او صادر می‌شود. شخصی که قبض انبار به نام و یا حواله‌کرد او صادر شده است می‌تواند کالای تودیع‌شده را با ظهرنویسی قبض انبار به دیگری واگذار کند، مگر آنکه قبض انبار به صراحت به صورت غیرقابل انتقال صادر شده باشد. ظهرنویسی قبض انبار با درج تاریخ و هویت منتقل‌آلیه و امضای ظهرنویس و درج مراتب مربوط به انتقال یا عدم انتقال قبض وثیقه به همراه قبض انبار به عمل می‌آید. شخصی که قبض انبار به نفع وی ظهرنویسی شده است می‌تواند درخواست نماید که مفاد ظهرنویسی در دفتر انبار ثبت گردد.

تبصره - انتقال مالکیت کالا در هیچ مورد به حقوق کسی که قبض وثیقه به نفع او ظهرنویسی شده است لطمه‌ای نمی‌زند.

ماده 167- صرفاً دارنده قبض وثیقه می‌تواند کالای تودیع‌شده را از طریق ظهرنویسی آن به وثیقه دهد. ظهرنویسی قبض وثیقه با درج تاریخ، هویت منتقل‌آلیه و امضای ظهرنویس به عمل می‌آید. ظهرنویس می‌تواند مبلغی را که کالا از بابت آن به وثیقه گذاشته می‌شود، در قبض وثیقه درج نماید. در غیر این صورت، چنین فرض می‌شود که مبلغی که کالا از بابت آن به وثیقه گذاشته شده است با ارزش اظهارشده آن در قبض انبار و وثیقه برابر است.

ماده 168- شخصی که قبض وثیقه برای اولین بار به نفع وی ظهرنویسی شده است باید با اظهار قبض مذکور درج مراتب در دفتر انبار عمومی و تأیید آن بر روی قبض را از متصدی انبار عمومی بخواهد. ایادی بعدی که قبض وثیقه به نفع آنان ظهرنویسی شده باشد می‌توانند درخواست نمایند که مفاد ظهرنویسی به همراه اقامتگاه ظهرنویس در دفتر انبار ثبت گردد.

ماده 169- کسی که قبض انبار یا قبض وثیقه به نفع وی ظهرنویسی شده باشد می‌تواند درخواست نماید که مفاد ظهرنویسی به همراه اقامتگاه ظهرنویس در دفتر انبار ثبت گردد.

ماده 170- دارنده قبض انباری که قبض وثیقه همان قبض در تصرف وی نیست می‌تواند تمام یا بخشی از کالا را مسترد کند، مشروط بر آنکه مبلغی را که قبض وثیقه بابت آن به وثیقه‌گذارده شده و نزد انباردار به ثبت رسیده است نزد صندوق انبار تودیع کند.

ماده 171- هرگاه قبض انبار بدون قبض وثیقه به متصدی انبار عمومی ارائه شود و وثیقه‌بودن کالا در دفاتر انبار عمومی یا قبض انبار ثبت نشده باشد، متصدی انبار عمومی باید تقاضای استرداد کالا را در دفاتر انبار ثبت کرده و به هزینه متقاضی در روزنامه کثیرالانتشار و سامانه الکترونیک انبار عمومی منتشر نماید. اگر قبض وثیقه تا سی روز پس از انتشار به متصدی انبار عمومی ارائه نشود، وی باید کالا را به دارنده قبض انبار مسترد کند. در این صورت متصدی انبار عمومی و دارنده ناآگاه قبض انبار مسئولیتی در مقابل ارائه‌کننده قبض وثیقه ندارند.

ماده 172- چنانچه طلبی که کالای تودیع شده در قبال آن به وثیقه گذاشته شده است در موعد مقرر پرداخت نشود، دارنده قبض وثیقه می تواند از طریق مؤسسه حراجی کالای تودیع شده را بفروشد، مشروط بر آنکه مراتب نخستین ظهنویسی قبض وثیقه طبق صدر ماده (168) این قانون ثبت شده باشد. دارنده قبض وثیقه برای وصول طلب خود از محل حاصل فروش پس از کسر حقوق دولتی احتمالی و هزینه های انبارداری و فروش بر سایر بستانکاران مقدم است.

ماده 173- هرگاه قیمت فروش وثیقه پس از کسر مخارج از مبلغی که کالا از بابت آن به وثیقه گذاشته شده است کم تر شود، وی می تواند برای وصول مابه التفاوت به هریک از ظهنویسان قبض وثیقه رجوع کند، مشروط بر آنکه حداکثر ظرف مدت سی روز از زمان سررسید طلب فروش کالای تودیع شده را تقاضا کرده و از فروش آن بیش از پانزده روز سپری نشده باشد. در صورت عدم رعایت مواعد مذکور، حق رجوع به ظهنویسان را ندارد و فقط می تواند به ید ماقبل خود رجوع نماید.

ماده 174- اگر قیمت فروش وثیقه پس از کسر مخارج بیش از مبلغی شود که کالا از بابت آن به وثیقه گذاشته شده است، مازاد توسط مؤسسه حراجی به دارنده قبض انبار تسلیم می شود و در صورتی که وی به هنگام فروش کالا حاضر نباشد، مبلغ مذکور در صندوق انبار تودیع خواهد شد.

ماده 175- اگر امانت گذار یا قائم مقامان وی پس از انقضای مدت امانت گذاری به استرداد کالای تودیع شده اقدام نکنند، متصدی انبار عمومی می تواند آن را از طریق مؤسسه حراجی به فروش رساند. در صورتی که قرارداد امانت گذاری فاقد مدت باشد، پس از گذشت یک سال از تسلیم کالای تودیع شده ترتیب مذکور قابل اجراء است، مگر این که دارنده قبض انبار قبل از انقضای یک سال، استرداد کالا یا تجدید قرارداد امانت گذاری را از متصدی انبار عمومی بخواهد یا در قرارداد به نحو دیگری مقرر شده باشد. در مورد فروش کالای سریع الفساد ترتیب مقرر در ماده (121) این قانون مجری می باشد.

ماده 176- شخصی که قبض انبار یا قبض وثیقه او تلف، گم یا غیر قابل استفاده شود، می تواند الزام متصدی انبار عمومی به صدور نسخه المثالی قبض انبار ویا قبض وثیقه را به موجب دادخواست از دادگاه محل انبار عمومی تقاضا نماید. دادگاه متقاضی را مکلف خواهد کرد تا موضوع را در دو نوبت در روزنامه کثیرالتشعار به فاصله ده روز منتشر نماید. اگر تا ظرف ده روز از انتشار آگهی دوم اعتراضی صورت نگیرد، دادگاه پس از احراز صحت ادعای متقاضی و دریافت ضامن معتبر یا وثیقه، حکم به صدور نسخه المثالی خواهد نمود. اگر بعد از گذشت یک سال از سررسید امانت و چنانچه امانت گذاری بدون مدت باشد دو سال از تاریخ امانت گذاری، کسی برای بازپس گیری کالا اقدام نکند، ذمه ضامن بری یا وثیقه آزاد می شود.

ماده 177- تأسیس و بهره برداری از انبارهای عمومی موضوع این فصل به کسب مجوز از وزارت صنعت، معدن و تجارت منوط است. شرایط صدور مجوز و نظارت بر انبارهای عمومی به موجب آیین نامه ای است که ظرف مدت شش ماه به وسیله وزارت مذکور تهیه و به تصویب هیأت وزیران می رسد.

ماده 178- کلیه انبارهایی که به عنوان انبار عمومی فعالیت می کنند مکلفند ظرف مدت شش ماه پس از ابلاغ آیین نامه مذکور در ماده قبل به أخذ مجوز از وزارت صنعت، معدن و تجارت اقدام کنند یا وضع خود را با مقررات آن تطبیق دهند. پس از انقضای مهلت مذکور تأسیس و یا بهره برداری از انبارهای عمومی بر خلاف مقررات این قانون ممنوع و متخلف به جزای نقدی معادل نصف قیمت کالاهایی که در انبار نگهداری می کند محکوم می شود. دادگاه مکلف است ضمن صدور حکم محکومیت، دستور تعطیلی انبار و تودیع کالاهای موجود در آن در یکی از انبارهای

دارای مجوز فعالیت یا استرداد آنها به صاحبان کالاها را صادر کند. به علاوه رأی دادگاه که متضمن تعیین انباردار جدید است باید در روزنامه رسمی و یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار منتشر شود.

فصل هفتم - وثیقه تجارتمی

ماده 179- از بابت هر دین یا تعهد می توان وثیقه گرفت.

ماده 180- شخص ثالث می‌تواند مال خویش را وثیقه دین یا تعهد دیگری قرار دهد.

ماده 181- وثیقه از دین یا تعهدی صحیح است که موجود بوده یا سبب آن ایجاد شده باشد.

ماده 182- وثیقه‌گذار باید به محض انعقاد عقد مال مورد وثیقه را به وثیقه‌پذیر تسلیم کند، مگر آنکه به نحو

دیگری توافق شده باشد. در مورد اموالی که دارای سند رسمی است وثیقه‌پذیر صرفاً می‌تواند الزام وثیقه‌گذار به تنظیم سند رسمی وثیقه را از دادگاه بخواهد، مگر این که تسلیم مادی آن مال نیز شرط شده باشد.

ماده 183- علم به جنس، وصف و مقدار مالی که به وثیقه گذاشته می‌شود و علم به مقدار، اوصاف و شرایط

دینی که وثیقه در مقابل آن اخذ می‌شود شرط صحت عقد نیست.

ماده 184- هر مال منقول یا در حکم منقولی مانند مطالبات، ورقه اختراع و حق سرقفلی می‌تواند مورد وثیقه قرار

گیرد، مشروط بر این که قابل واگذاری به غیر باشد.

تبصره- مقررات این فصل شامل رهن اموال غیرمنقول ذاتی نیست.

ماده 185- وثیقه در مقابل کل طلب و متفرعات آن محسوب است، مگر بر خلاف آن شرط شده باشد. هر گاه

ثالثی مال خود را به عنوان وثیقه داده باشد، توقف تعلق متفرعات طلب به دین اصلی موجب توقف تعلق متفرعات بر مال مورد وثیقه نیز می‌باشد.

ماده 186- در صورت تسلیم وثیقه به وثیقه‌پذیر، وی به درخواست وثیقه‌گذار باید به او رسیدی دهد که در آن

ماهیت چیزی که به وثیقه گذاشته شده است و نوع و مقدار و دیگر صفات مشخص‌کننده آن بیان شده باشد.

ماده 187- اگر چند مال از بابت یک دین یا تعهد به وثیقه گذاشته شده باشد، حق تعیین مالی که به فروش

گذاشته می‌شود از آن وثیقه‌پذیر است، مگر این که به گونه دیگری توافق شده باشد.

ماده 188- هرگاه مالی مثلی به وثیقه گذاشته شود، وثیقه‌گذار می‌تواند مال مورد وثیقه را با مالی دیگر از همان

نوع عوض کند. در صورتی که مال قیمی باشد، وثیقه‌گذار با رضایت وثیقه‌پذیر می‌تواند مال مورد وثیقه را عوض کند.

ماده 189- هر توافقی که به وثیقه‌پذیر حق دهد در صورت عدم پرداخت دین در سررسید آن مال وثیقه را بدون

رعایت تشریفات مقرر در این قانون بفروشد یا تملک کند، باطل است.

ماده 190- در مورد اموال دارای سند رسمی، چنانچه وثیقه بودن مال به طور رسمی به ثبت نرسد وثیقه در مقابل

اشخاص ثالث قابل استناد نیست. وثیقه‌گذاری اسناد با نام از قبیل اوراق سهام و قبوض وثیقه، علاوه بر ظهرنویسی، باید

در دفتری که اسناد مذکور در آن به ثبت رسیده ثبت و تأییدیه ثبت در دفاتر مذکور بر روی سند منعکس گردد و الا

وثیقه در مقابل اشخاص ثالث قابل استناد نیست. در خصوص وثیقه‌گذاری سایر اموال، قرارداد وثیقه باید در سامانه‌ای

متمرکز نزد سازمان ثبت اسناد و املاک کشور که به این منظور ایجاد می‌شود به ثبت برسد و مراتب در وثیقه بودن مال،

جنس، وصف و مقدار آن برای عموم قابل دسترس باشد. ثبت قرارداد وثیقه در سامانه مذکور بر عهده وثیقه‌گذار است.

پس از ایجاد این سامانه وثیقه بدون ثبت در سامانه مذکور در مقابل اشخاص ثالث قابل استناد نیست. نحوه اجرای این

ماده به موجب آیین‌نامه‌ای است که به وسیله سازمان ثبت اسناد و املاک کشور تهیه می‌شود و ظرف یک‌سال پس از لازم‌الاجراء شدن این قانون به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد.

تبصره - وثیقه‌گذاری اسناد براتی (برات، سفته و چک) مشمول مقررات این فصل نیست.

ماده 191 - حقوق کارگران تا سقف پنج برابر حداقل حقوق هر سال بر هر طلب موثقی مقدم است.

ماده 192 - هرگاه مال مورد وثیقه مستحق‌الغیر درآید و مالک عقد را تنفیذ نکند، وثیقه‌پذیر می‌تواند تسلیم بدل مال مذکور را به عنوان وثیقه از طرف دیگر درخواست کند. اگر تسلیم بدل به هر نحوی ممکن نشود، دین حال می‌شود.

ماده 193 - موارد سکوت این فصل بر مقررات قانون مدنی در باب رهن محمول است.

ماده 194 - در صورت عدم تأدیه دین تا سی روز پس از سررسید، وثیقه‌پذیر می‌تواند مال مورد وثیقه را از طریق مؤسسه حراجی به فروش رساند.

فصل هشتم - معامله از طریق حراجی

ماده 195 - حراجی عبارت است از عرضه مال با قیمت پایه مشخص و فروش آن به بالاترین قیمت پیشنهادی به صورت حضوری و یا برخط.

ماده 196 - مؤسسه حراجی شرکتی تجارتي است که اموال منقول اشخاص را از طریق حراجی به فروش می‌رساند.

ماده 197 - تأسیس و بهره‌برداری از مؤسسات حراجی موضوع این فصل و هرگونه اشتغال به عملیات حراجی به کسب مجوز از وزارت صنعت، معدن و تجارت منوط است. شرایط صدور مجوز و نحوه نظارت، نحوه فعالیت و برگزاری جلسه حراجی و همچنین تعرفه اجرت مؤسسه حراجی به موجب آیین‌نامه‌ای است که ظرف مدت شش‌ماه از تاریخ تصویب این قانون به وسیله وزارت مذکور تهیه می‌شود و به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.

ماده 198 - مؤسسه حراجی مکلف است علاوه بر دفاتر قانونی دفتر الکترونیک دیگری به نام دفتر حراجی داشته باشد. در این دفتر هویت متقاضیان فروش اموال، نوع اموال، تصویر اسناد ارائه‌شده برای اثبات مالکیت یا استحقاق متقاضی، آگهی ارائه‌شده در خصوص فروش، نتیجه برگزاری عملیات حراجی و هویت خریدار در صورت فروش کالاها، به ترتیب وقوع و مطابق آیین‌نامه موضوع ماده (197) این قانون در آن ثبت و ضبط شود.

ماده 199 - مؤسسه حراجی، مدیر یا مدیران و کارکنان آن، اقربای نسبی درجه اول و دوم از طبقات اول و دوم و اقربای سببی درجه اول و دوم آنان، اشخاص حقوقی که مؤسسه حراجی بیش از پنج درصد (5%) سهم آن را دارا باشد و اشخاصی که بیش از پنج درصد سرمایه مؤسسه حراجی را دارا باشند، به شکل مستقیم یا غیرمستقیم، حق شرکت در مزایده کالاهای به فروش گذاشته‌شده از طریق مؤسسه حراجی را ندارند. در غیر این صورت، مؤسسه حراجی علاوه بر لغو مجوز به جزای نقدی به میزان مال خریداری‌شده محکوم می‌شود. کلیه معاملات موضوع این ماده باطل است.

ماده 200 - مؤسسه حراجی قبل از دریافت مال یا استیلائی بر آن به نحوی که قابل تسلیم به خریدار باشد، حق اجرای تشریفات حراجی و فروش آن را ندارد. همچنین مؤسسه حراجی باید در حدود متعارف اطمینان حاصل نماید که طبق اسناد ارائه‌شده از سوی متقاضی از قبیل سند مالکیت، فاکتور خرید، سند وثیقه، بارنامه، قبض انبار و قبض وثیقه و نیز استعلام از مراجع ذی‌ربط عندالاقضاء مانع قانونی بر انتقال مال وجود ندارد. در هر حال، استعلام از سامانه موضوع ماده (190) این قانون ضروری است. در صورت تخلف مؤسسه حراجی از مقررات این ماده، وی مسؤول

خسارات وارد شده می‌باشد.

ماده 201- تعیین قیمت پایه در صورتی که مالک مال متقاضی فروش باشد با توافق او تعیین می‌شود. در مواردی که در این قانون فروش مال به مؤسسه حراجی ارجاع شده است، تعیین قیمت پایه برعهده مؤسسه حراجی است. در این خصوص، مؤسسه حراجی تکالیف و مسؤولیت کارشناس رسمی دادگستری را دارد.

ماده 202- مؤسسه حراجی مبلغ حاصل از فروش را پس از کسر هزینه حراجی و سایر هزینه‌هایی که حسب مورد در قانون پیش‌بینی شده است، با رعایت ماده (218) این قانون به ذی‌نفع پرداخت و قبض رسید آن را اخذ می‌کند. در صورتی که نقل و انتقال اموال مشمول مالیات باشد، مؤسسه حراجی قبل از پرداخت مبلغ نسبت به کسر آن اقدام می‌کند در غیر این صورت مسؤول پرداخت می‌باشد.

ماده 203- در موارد زیر مؤسسه حراجی در مقابل ذی‌نفع مسؤول پرداخت خسارات است:

- 1- فروش در غیر روز و ساعت معین یا در غیر محلی که به موجب آگهی تعیین گردیده به عمل آید.
- 2- مؤسسه حراجی بدون جهت قانونی مانع خرید کسی شود و یا بالاترین قیمتی را که خواسته است رد نماید.
- 3- در مواردی که اطلاع یا اذن دادستان ضروری است کالا را بدون اطلاع دادستان یا اذن او بفروش برساند.
- 4- خریدار طبق ماده (199) این قانون ممنوع از خرید بوده باشد.
- 5- تعیین قیمت پایه به میزان نامتعارفی کمتر از قیمت متعارف در مواردی که تعیین قیمت بر عهده مؤسسه حراجی باشد.

ماده 204- مؤسسه حراجی با دیگران برای اخلاف در عملیات حراجی به هر نحو تبانی کرده باشد.

ماده 204- مؤسسه حراجی نمی‌تواند از فروش اموالی که طبق قوانین و مقررات فروش آن به مؤسسه حراجی ارجاع شده است خودداری نماید. در صورت تخلف، مجوز فعالیت مؤسسه لغو و مؤسسه حراجی تا سه سال از ثبت خود در دفتر ثبت تجارتي ممنوع می‌باشد.

ماده 205- در شهرستان‌هایی که مؤسسه حراجی تشکیل نشده و حسب قوانین و مقررات فروش به مؤسسه حراجی ارجاع گردیده است، متقاضی حراج می‌تواند فروش کالا را از واحد اجرای ثبت اسناد و املاک مستقر در محل درخواست نماید. در این موارد، واحد اجرای ثبت با رعایت مقررات و تشریفات بیان‌شده در این فصل کالاها را می‌فروشد.

ماده 206- در خصوص اموال منقولی که فروش آن طبق این قانون به مؤسسات حراجی ارجاع شده است، رعایت تشریفات و احکام مقرر شده در مواد (207) تا (220) این فصل ضروری است.

ماده 207- قبل از انجام هر گونه حراجی، آگهی فروش باید در روزنامه‌ای که آگهی‌های مؤسسه حراجی در آن قید می‌شود و یا سامانه الکترونیک مؤسسه حراجی، و نیز سامانه یکپارچه حراجی منتشر شود. همچنین آگهی حراجی باید در مؤسسه حراجی به نحوی که در دید عموم باشد، تا اتمام عمیات حراجی الصاق گردد. آگهی مذکور باید حاوی اطلاعات زیر باشد:

- 1- مشخصات مؤسسه حراجی؛
- 2- نوع مال موضوع حراجی و توصیف اجمالی آن؛
- 3- روز و محل و ساعت شروع حراجی؛
- 4- قیمتی که حراجی از آن شروع می‌شود.

تبصره - وزارت صنعت، معدن و تجارت مکلف است حداکثر ظرف مدت یکسال از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون، با راه‌اندازی سامانه یکپارچه حراجی، امکان ثبت آگهی‌های حراج موضوع این ماده را به نحوی که اطلاعات آن به شکل روزآمد برای عموم قابل دسترسی باشد فراهم نماید. آگهی‌های مندرج در سامانه باید تا اتمام عملیات حراجی بر روی سامانه قابل دسترس باشد.

ماده 208- فاصله انتشار آگهی تا روز حراج نباید از پانزده روز کمتر و از یک‌ماه بیشتر باشد. چنانچه افراد مالک یا متقاضی مایل به تبلیغ بیشتری برای اموال مورد حراج باشند با نظارت مؤسسه حراجی می‌توانند به هزینه خود در جراید و غیره آگهی نمایند. در صورت اخیر، مفاد آگهی‌های انجام‌شده نباید متفاوت با آگهی منتشرشده از سوی مؤسسه حراجی باشد.

ماده 209- مؤسسه حراجی مکلف است قبل از فروش مال از طریق حراجی مراقبت کامل نماید که تشریفات لازم به ویژه مندرجات آگهی طبق مقررات صحیحاً انجام شده باشد. در هر صورت، عدم رعایت تشریفات موجب ابطال عملیات حراج نیست، مگر این که وجود تبانی بین مؤسسه حراجی و خریدار محرز گردد. مسؤولیت خسارات ناشی از عدم رعایت تشریفات مقرر بر عهده مؤسسه حراجی و خریدار با سوءنیت می‌باشد.

ماده 210- حراج باید در محل مؤسسه حراجی صورت گیرد. در صورت تراضی بین مالک و متقاضی فروش، می‌توان محل دیگری برای حراجی تعیین نمود.

ماده 211- حراج اموال فاسدشدنی، حیوانات، طیور و اموالی که دارای قیمت بازاری یا بورسی هستند، می‌تواند بدون رعایت تشریفات، در محل وقوع اموال و با اطلاع دادستان یا نماینده او به عمل آید.

ماده 212- حراجی به نحو حضوری و یا برخط است و در یک جلسه و در وقت اداری برگزار می‌شود. شرکت در عملیات حراجی برای عموم آزاد است. مؤسسه حراجی مکلف است پنج روز قبل از تاریخ تعیین‌شده برای فروش مال، آن را به نحو مناسب و متعارفی به رؤیت مشتریانی که مراجعه می‌کنند برساند. درخواست مالک یا متقاضی حراجی برای تقدم و تأخر در فروش اموال موضوع حراجی پذیرفته می‌شود.

ماده 213- فروش از طریق مؤسسه حراجی به صورت نقدی است. شخصی که در نتیجه ارائه پیشنهاد بالاترین قیمت، خریدار واقع می‌شود باید تمام قیمت را نقداً تسلیم کند. اگر خریدار از پرداخت وجه خودداری نماید یا تقاضای فروش نسبه کند و ذی‌نفع فروش نسبه را قبول نکند، مال با رعایت تشریفات مقرر مجدداً به حراج گذاشته می‌شود. در این صورت متقاضی می‌تواند برای هزینه حراج مجدد به مستنکف رجوع کند. به علاوه چنانچه مال به قیمت پایین‌تری به فروش رسد، خریدار مستنکف، مسؤول تفاوت است و در صورت عدم فروخته شدن مال مبلغ یک‌دهم پیشنهادی به عنوان مجازات در حق ذی‌نفع از مستنکف قابل وصول است. در مواردی که فروش مال به جهت تسویه دین باشد متقاضی حراجی صرفاً می‌تواند در حدود طلب خود فروش به وعده را اجازه دهد.

ماده 214- در خصوص اموال سریع‌الفساد یا اموالی که نگهداری آن هزینه نامتناسبی تحمیل می‌کند و یا در صورتی که مصلحت صاحب کالا چنین اقتضاء نماید و دسترسی به صاحب کالا در موارد مذکور وجود نداشته باشد، هرگاه امکان فروش نقدی وجود نداشته باشد، با اجازه دادستان یا نماینده او می‌توان پرداخت بهای اموال را به وعده قرار داد.

تبصره - اموال مذکور در این ماده در صورت اذن دادستان مشمول ممنوعیت ماده (199) این قانون نمی‌باشد.

ماده 215- هزینه حراج بر عهده متقاضی است. متقاضی می‌تواند پس از فروش مال هزینه‌های پرداخت‌شده را از عواید ناشی از فروش بردارد.

ماده 216- اگر مال مورد حراج به فروش نرسد، متقاضی می تواند مجدداً تقاضای حراج کند. حراجهای بعدی نیز تابع تشریفات مقرر در این قانون است، لکن متقاضی نمی تواند هزینه بیش از دوبار حراج را از محل فروش مال مطالبه کند.

ماده 217- در مواردی که فروش مال برای وصول طلب است، چنانچه در حراجی دوم نیز مال به فروش نرسد، متقاضی می تواند مال مورد حراجی را به قیمتی که ارزیابی شده است، قبول نماید.

ماده 218- مؤسسه حراجی پس از فروش مال، طلب متقاضی و هزینه های حراج را از محل حاصل فروش به متقاضی پرداخت می کند و چنانچه مبلغ اضافه ای باقی بماند، آن را به مالک و در صورت عدم حضور مالک یا عدم احراز مالکیت وی در حساب مربوط به صندوق مؤسسه حراجی نزد یکی از بانکهای مجاز دولتی به نام ذی نفع، به صورت کوتاه مدت تودیع و مراتب را به وی اطلاع می دهد.

ماده 219- دادستان یا نمایندگان او می توانند در هر زمان با حضور در مؤسسات حراجی از جزئیات اقدامات مؤسسه در خصوص هر یک از معاملات و عملیات حراجی کسب اطلاع کنند. این امر نباید موجب اختلال در روند عادی فعالیت مؤسسه حراجی گردد.

ماده 220- در مواردی که حسب قوانین و مقررات فروش به مؤسسه حراجی ارجاع گردیده است، مؤسسه حراجی باید پنج روز قبل از فروش و فوراً پس از فروش به نحو مقتضی مراتب را به اطلاع مالک برساند. متقاضی فروش باید اطلاعات مربوط به مالک را طبق مستندات موجود به مؤسسه حراجی اعلام نماید.

فصل نهم - اجاره به شرط تملیک (لیزینگ)

ماده 221- قرارداد اجاره به شرط تملیک (لیزینگ) قراردادی است که طبق آن شخصی مال متعلق به خود یا مالی را که طبق قرارداد تأمین به او واگذار شده است به دیگری اجاره می دهد، به نحوی که در پایان مدت اجاره یا هر زمان که شروط مندرج در قرارداد تحقق یابد، مستأجر مورد اجاره را مالک گردد.

تبصره 1- قرارداد تأمین قراردادی است که به موجب آن شخصی مالی را از شخص دیگری که تأمین کننده نام دارد، به قصد اجاره دادن آن به شرط تملیک خریداری کرده است.

تبصره 2- هر قرارداد دیگری نیز که متضمن نتیجه اجاره به شرط تملیک باشد، تابع مقررات این فصل است، اگرچه عنوان آن اجاره به شرط تملیک نباشد.

ماده 222- اشتغال به عملیات واسپاری (لیزینگ) منوط به کسب مجوز از بانک مرکزی است.

ماده 223- قرارداد اجاره به شرط تملیک بدون تأمین کننده فرض می شود، مگر این که ثابت شود موجر مورد اجاره را از تأمین کننده خریداری کرده است.

ماده 224- چنانچه موجر مال را طبق قرارداد تأمین، تهیه کرده باشد، این موضوع باید در سند مالکیت آن مال درج گردد. همچنین هر مالی که موجر در خصوص آن قرارداد اجاره به شرط تملیک منعقد می کند این موضوع باید در سند مالکیت آن مال درج گردد.

ماده 225- قرارداد اجاره به شرط تملیک، حداقل باید شامل موارد زیر باشد:

- 1- هویت موجر؛
- 2- هویت مستأجر؛
- 3- هویت تأمین کننده در صورت وجود؛

4- مشخصات مال مورد اجاره؛

5- مدت قرارداد؛

6- مبلغ اجاره و شیوه پرداخت آن.

ماده 226- تعیین مدت قرارداد برعهده طرفین است، لکن این مدت نمی‌تواند از سی درصد (30%) عمر متعارف موضوع قرارداد کمتر باشد در غیر این صورت، دادگاه، به درخواست مستأجر، مدت قرارداد را تا حداقل مذکور در این ماده افزایش می‌دهد و اجاره بها را متناسب با آن تعیین می‌نماید.

ماده 227- کلیه تعهداتی که تأمین‌کننده طبق قرارداد تأمین در مقابل خریدار بر عهده گرفته است، در صورت انعقاد قرارداد اجاره به شرط تملیک، از سوی مستأجر نیز قابل مطالبه است. موجر مکلف است یک نسخه از قرارداد تأمین را به ضمیمه قرارداد اجاره به شرط تملیک به مستأجر تحویل دهد.

ماده 228- پس از انعقاد قرارداد اجاره به شرط تملیک، موجر و تأمین‌کننده نمی‌توانند مفادی از قرارداد تأمین را که با حقوق مستأجر در ارتباط است تغییر دهند، مگر با رضایت مستأجر.

ماده 229- هزینه‌های تعمیر و نگهداری و همچنین انجام تکالیفی که طبق قوانین و مقررات مربوط به اجاره برعهده موجر می‌باشد، در قرارداد اجاره به شرط تملیک بر عهده مستأجر خواهد بود.

ماده 230- قبول مال زمانی صورت می‌گیرد که مستأجر انطباق مال با قرارداد را به موجر اطلاع دهد یا پس از داشتن فرصتی مناسب برای آزمایش آن را رد ننماید.

تبصره - هرگونه شرطی که تشخیص تخلف از مفاد قرارداد یا انطباق مورد اجاره با شرایط مورد توافق را بر عهده موجر یا تأمین‌کننده یا اشخاص ثالث تعیین شده از سوی آنان قرار دهد، باطل است.

ماده 231- حقوق قراردادی موجر بدون رضایت مستأجر قابل انتقال به غیر است. در صورت انتقال حقوق مزبور، مستأجر می‌تواند به هر آنچه که می‌توانست علیه موجر تمسک کند علیه منتقل‌آلیه نیز استناد کند. تصرفات موجر در حدی که با حق مستأجر منافات داشته باشد باطل است.

ماده 232- تعهدات موجر قابل واگذاری نیست، مگر با رضایت مستأجر. مع‌ذلک مستأجر نمی‌تواند در مواردی که انتقال موجب ورود ضرر به او نیست یا نفع متعارفی از عدم انتقال عاید او نمی‌شود، با این انتقال مخالفت نماید.

ماده 233- حقوق و تعهدات قراردادی مستأجر قابل انتقال به غیر نیست، مگر با رضایت موجر و رعایت حقوق اشخاص ثالث. موجر نمی‌تواند در مواردی که انتقال موجب ورود ضرر به او نیست یا نفع متعارفی از عدم انتقال عاید او نمی‌شود، با این انتقال مخالفت نماید.

ماده 234- هریک از موجر و تأمین‌کننده در برابر مستأجر مستقلاً مسؤول ضمان درک کل مال مورد اجاره هستند.

ماده 235- مستأجر باید از مورد اجاره به نحو متعارفی بهره‌برداری نماید. چنانچه طبق قرارداد دستورالعمل خاصی برای نگهداری مال تعیین شده باشد، مستأجر مکلف است طبق دستورالعمل مذکور عمل نماید. در هر صورت دستورالعمل توافق‌شده برای نگهداری نمی‌تواند غیرمتعارف باشد و در صورت غیرمتعارف بودن این دستورالعمل، معیار تخلف مستأجر از نگهداری مال عرف است.

ماده 236- وجه التزام تأخیر یا عدم اجرای تعهد، خسارت تأخیر، جریمه دیرکرد یا هر عنوان دیگری که برای دریافت خسارت از مستأجر در قرارداد پیش‌بینی می‌شود و میزان مبلغ پیش‌پرداخت مستأجر نمی‌تواند از سقف نرخهایی که به پیشنهاد بانک مرکزی و تصویب شورای پول و اعتبار به این منظور تعیین می‌شود بیشتر باشد. هرگونه

توافقی بیشتر از نرخهای اعلام شده باطل است، ولی موجب بطلان قرارداد نمی شود.

ماده 237- مستأجر مکلف است مطابق قرارداد نسبت به پرداخت اقساط اقدام نماید. چنانچه در طول مدت اجاره مستأجر چهار قسط متوالی را نپردازد، موجر حق فسخ قرارداد را دارد. هر توافقی که در این مورد شرایط سخت گیرانه تری را مقرر کند، باطل است، ولی موجب بطلان قرارداد نمی شود.

تبصره - چنانچه عدم پرداخت اقساط به دلیل حادثه غیرقابل پیش بینی غیرقابل رفع باشد، مدت بروز حادثه مذکور به مهلت مذکور در این ماده اضافه می گردد.

ماده 238- موجر می تواند در قرارداد امکان بازرسی و بازدید از مورد اجاره را شرط نماید، لکن این شرط نباید با استفاده متعارف مستأجر در تعارض بوده یا تکالیف غیر متعارفی را بر او تحمیل نماید. هزینه بازرسی و بازدید از مورد اجاره بر عهده موجر خواهد بود.

ماده 239- مستأجر مکلف است هرگونه اتفاقی را که منجر به کاهش شدید ارزش مورد اجاره شده است، در مدت سی روز به موجر اطلاع دهد.

ماده 240- در پایان مدت اجاره، موجر مکلف است نسبت به تنظیم اسناد مالکیت مورد اجاره به نام مستأجر یا شخصی که او معرفی می کند اقدام نماید. موجر جز در موارد مصرح در این فصل نمی تواند از انجام این تعهد استنکاف یا انجام آن را به انجام تعهدات غیرمتقابل مستأجر، همانند پرداخت خسارت و جریمه، موکول نماید.

ماده 241- حق مستأجر نسبت به عین مستأجره مقدم بر حق بستانکاران موجر است. بستانکاران مستأجر قبل از حصول مالکیت مستأجر نسبت به عین مستأجره حقی نسبت به عین آن ندارند.

ماده 242- پس از تحویل مورد اجاره و قبول آن از سوی مستأجر جبران هرگونه خسارت وارده بر مورد اجاره بر عهده مستأجر است، مگر اینکه خسارت وارده به حوادث خارجی غیرقابل پیش بینی غیرقابل رفع مستند باشد و در قرارداد شرط مسؤولیت مطلق مستأجر نشده باشد.

ماده 243- چنانچه مورد اجاره تلف شود، قرارداد منفسخ می شود. هرگاه تلف مورد اجاره بر اثر حادثه غیرقابل پیش بینی غیرقابل رفع باشد، مستأجر مسؤولیتی در قبال تلف عین مستأجره ندارد، لکن نمی تواند اجرت المسمی های پرداخت شده قبلی را مطالبه کند و چنانچه از بابت اجرت المسمای ایام تصرف مبلغی بدهکار باشد، باید تسویه نماید.

ماده 244- هرگاه تلف مورد اجاره مستند به مستأجر باشد، مستأجر مسؤول جبران زیانهای وارده شده به عین مستأجره است و نمی تواند اجرت المسمی های پرداخت شده قبلی را مطالبه کند و چنانچه از بابت اجرت المسمای ایام تصرف مبلغی بدهکار باشد، باید تسویه نماید.

ماده 245- چنانچه تلف مورد اجاره منتسب به ثالث باشد، وی مکلف است خسارات وارد شده به موجر و مستأجر را جبران کند. در هر صورت، مجموع خسارات پرداختی از سوی شخص ثالث نمی تواند از قیمت کل مال تلف شده بیشتر باشد.

ماده 246- موجر نمی تواند جز در مورد عدم رعایت تکالیف مستأجر مطابق مقررات این فصل، حق فسخ قرارداد را شرط کند.

ماده 247- درج هرگونه شرط در قرارداد که برای مستأجر مزایایی کمتر از مزایای مندرج در این فصل مقرر کند، باطل و بلااثر است. بطلان شرط سبب بطلان قرارداد نمی شود.

ماده 248- موارد سکوت در این فصل تابع عقد اجاره است.

فصل دهم - نمایندگی توزیع

ماده 249- نمایندگی توزیع قراردادی است که به موجب آن شخصی که تأمین کننده نامیده می شود در برابر شخص دیگر که توزیع کننده نامیده می شود تعهد می کند کالا یا کالاهایی را، به نحو مستمر، برای او تأمین کند تا وی بتواند آنها را در منطقه جغرافیایی توافق شده به نام و حساب خود به فروش رساند.

ماده 250- قرارداد نمایندگی توزیع می تواند به شکل انحصاری یا غیرانحصاری منعقد گردد. در صورتی که طبق قرارداد نمایندگی توزیع تأمین کننده نیز مجاز باشد که در منطقه جغرافیایی مورد توافق کالا را مستقیماً عرضه نماید، قرارداد منعقد شده «قرارداد نمایندگی توزیع مشترک» نامیده می شود.

ماده 251- چنانچه در قرارداد نمایندگی توزیع قلمرو جغرافیایی عرضه کالا تعیین نشده باشد، در قراردادهای توزیع بین المللی کشور محل اقامت توزیع کننده و در قراردادهای توزیع داخلی شهر محل اقامت توزیع کننده به عنوان «قلمرو جغرافیایی عرضه کالا» محسوب است.

ماده 252- مواد (93) تا (98) و (107) این قانون در خصوص قرارداد نمایندگی توزیع نیز مجری است.

ماده 253- توزیع کننده مجاز نیست هیچ اقدامی به نام و یا حساب تأمین کننده انجام دهد، مگر اینکه در آن مورد خاص بر وکالت توزیع کننده توافق شده باشد.

ماده 254- اگر در طول مدت اجرای قرارداد نمایندگی توزیع، توزیع کننده مشتریانی را به تأمین کننده معرفی نماید تا مستقیماً کالا را از او خریداری نمایند، مستحق اجرت متعارف طبق شرایط نمایندگی تجارتي خواهد بود، مگر اینکه در قرارداد بر خلاف آن توافق شده باشد. در هر صورت این اقدام توزیع کننده موقعیت او را به نمایندگی تجارتي تغییر نمی دهد.

ماده 255- در صورتی که قرارداد نمایندگی توزیع انحصاری منعقد شده باشد، تأمین کننده نمی تواند در منطقه جغرافیایی عرضه کالا برای شخص دیگری غیر از توزیع کننده تأمین کالا کند یا خود کالا را به شکل مستقیم یا غیرمستقیم به مشتریان منطقه مذکور بفروشد. در غیر این صورت مسئول جبران خسارات وارده به توزیع کننده خواهد بود. همچنین توزیع کننده نیز نمی تواند بدون اجازه کتبی تأمین کننده به ارائه، تولید، بازاریابی و یا فروش هر نوع کالایی که رقیب کالاهای موضوع قرارداد است در منطقه جغرافیایی عرضه کالا اقدام نماید. چنانچه توزیع کننده در خارج از منطقه مذکور فعالیت داشته باشد یا کالاهای دیگری نیز عرضه کند که رقیب کالای موضوع قرارداد نمایندگی توزیع محسوب نشود، باید تا سی روز پس از وقوع این امر، تأمین کننده را در جریان فعالیت خود قرار دهد.

تبصره - در صورتی که تأمین کننده مشتریان خاصی را در منطقه جغرافیایی عرضه کالا از سابق داشته و به هنگام قرارداد نیز مشخصات و میزان فروش به آنان را به توزیع کننده اعلام کرده باشد، استمرار تأمین کالا برای مشتریان مزبور به میزان اعلام شده از حکم این ماده مستثنی است.

ماده 256- چنانچه توزیع کننده در زمان انعقاد قرارداد توزیع اقدام به ارائه، تولید، بازاریابی یا فروش مستقیم و یا غیرمستقیم کالایی می نماید، باید فهرست آنها را تهیه و به تأمین کننده تسلیم نماید. همچنین در صورتی که تأمین کننده در منطقه جغرافیایی مذکور توزیع کننده دیگری دارد و یا خود مستقیماً کالای موضوع قرارداد را توزیع می نماید، باید این امر را به اطلاع توزیع کننده برساند.

ماده 257- چنانچه تأمین کننده در منطقه جغرافیایی عرضه کالا خدمات پس از فروش ارائه می کند، نماینده توزیع مکلف است کلیه تمهیدات لازم برای ارتباط مشتری با واحد مذکور را فراهم نماید. چنانچه تأمین کننده در منطقه

جغرافیایی عرضه کالا خدمات پس از فروش ارائه نمی‌کند، نماینده توزیع مکلف است خریدار را از این امر مطلع نماید. هرگونه توافقی خلاف مفاد این ماده باطل است.

ماده 258- تعیین نحوه تبلیغ و محتوای آن در منطقه جغرافیایی عرضه کالا از اختیارات توزیع‌کننده است، مگر اینکه تأمین‌کننده نوع خاصی از تبلیغات را در قرارداد ممنوع یا مخالفت تبلیغات مذکور با حسن شهرت یا سیاست بازاریابی خود را به نماینده اعلام کرده باشد. در هر صورت توزیع‌کننده مکلف است قبل از اقدام به تبلیغ نمونه آن را برای تأمین‌کننده ارسال نماید.

ماده 259- هزینه شرکت در نمایشگاهها و هزینه تبلیغات انجام‌شده از سوی هر یک از طرفین قرارداد به عهده خود او خواهد بود، مگر آن که ترتیب دیگری در قرارداد پیش‌بینی شده باشد.

ماده 260- تأمین‌کننده مکلف است بر طبق قرارداد، کلیه کالاهای سفارش داده‌شده از سوی توزیع‌کننده را تأمین نماید. رد سفارشات توزیع‌کننده به نحو غیرمتعارف نقض تعهدات تأمین‌کننده تلقی خواهد شد.

ماده 261- طرفین می‌توانند حداقل میزان فروش تضمین‌شده را در قرارداد پیش‌بینی نمایند. در این صورت طرفین باید تلاش متعارف برای رسیدن به حداقل فروش تضمین‌شده را به عمل آورند.

ماده 262- توزیع‌کننده می‌تواند توزیع‌کننده و یا نمایندگان را برای کار توزیع و فروش کالا در منطقه جغرافیایی عرضه کالا به کار گیرد، مگر اینکه تأمین‌کننده او را از این کار منع کرده باشد. کلیه شرایطی که برای توزیع‌کننده اصلی از سوی تأمین‌کننده تعیین شده است در خصوص توزیع‌کنندگان فرعی و نمایندگان توزیع‌کننده اصلی نیز لازم‌الرعايه است. مسؤولیت توزیع‌کنندگان و یا نمایندگان فرعی بر عهده توزیع‌کننده اصلی خواهد بود. توزیع‌کننده مکلف است مراتب مذکور را به تأمین‌کننده اطلاع دهد.

ماده 263- در مواردی که تأمین‌کننده کالا در ایران اقامتگاه یا شعبه‌ای نداشته باشد، توزیع‌کننده مکلف است هرگونه تغییر در قوانین و مقرراتی را که به نحوی مرتبط با موضوع قرارداد است از قبیل قوانین و مقررات گمرکی، فنی و ایمنی و محیط زیستی به اطلاع او برساند.

ماده 264- توزیع‌کننده در قیمت‌گذاری کالا برای فروش آن آزادی عمل دارد، مگر اینکه بر خلاف آن توافق شده یا قیمت‌گذاری او به نحوی باشد که موجب خدشه‌دار شدن شهرت و اعتبار کالا شود. در صورت اخیر، توزیع‌کننده اصلی و فرعی و نمایندگان آنها حسب مورد مکلف به رعایت قیمت‌های توافق‌شده یا اعلام‌شده از سوی تأمین‌کننده می‌باشند.

ماده 265- هرگونه فروش، تبلیغ، بازاریابی یا واگذاری نمایندگی در خارج از منطقه جغرافیایی برای توزیع‌کننده ممنوع است. توزیع‌کننده مکلف است کلیه درخواست‌هایی را که از بیرون منطقه جغرافیایی عرضه کالا دریافت می‌نماید، به تأمین‌کننده ارسال کند. همچنین توزیع‌کننده موظف است در خصوص درخواست مشتریانی که اطلاع دارد هدف آنان توزیع در خارج از منطقه جغرافیایی است طبق حکم این ماده عمل نماید.

ماده 266- توزیع‌کننده مجاز است کلیه علائم تجارتي، اسامی تجارتي و یا هر نوع علائم دیگر مربوط به تأمین‌کننده کالا را صرفاً به منظور شناساندن و تبلیغات کالاها، در منطقه جغرافیایی عرضه کالا مورد استفاده قرار دهد. حق استفاده مذکور پس از انقضاء یا هر نوع خاتمه قرارداد منتفی می‌شود. با وجود این، توزیع‌کننده پس از ختم یا انقضای قرارداد نیز می‌تواند کالایی را که با علائم تجارتي تأمین‌کننده نزد او موجود است به فروش برساند.

ماده 267- توزیع‌کننده در منطقه جغرافیایی عرضه کالا، باید هرگونه دعوایی را که از سوی اشخاص ثالث در

ارتباط با حقوق مالکیت فکری موضوع قرارداد مطرح شده است و همچنین هرگونه اقدامی را که تهدید یا نقض مالکیت مذکور باشد به تأمین‌کننده اطلاع دهد.

ماده 268- توزیع‌کننده مکلف است به هزینه خود و در تمام طول مدت قرارداد موجودی کافی از تولیدات تأمین‌کننده و لوازم یدکی آن را که برای نیازهای عادی منطقه جغرافیایی عرضه کالا لازم است نگهداری نماید. طرفین می‌توانند میزان موجودی مذکور را بالاتر از میزان متعارف تعیین نمایند.

ماده 269- طرفین مکلف هستند کلیه اسناد، مدارک و اطلاعات لازم و مربوط به اجرای مطلوب قرارداد توزیع را در حد متعارف و بدون دریافت هیچ‌گونه هزینه‌ای در اختیار یکدیگر قرار دهند.

ماده 270- چنانچه قرارداد نمایندگی توزیع در مورد تخفیف خاص برای توزیع‌کننده نسبت به لیست قیمت کالاها ساکت باشد، توزیع‌کننده مستحق همان تخفیفی خواهد بود که تأمین‌کننده به سایر توزیع‌کنندگان و برای کالاهایی با کیفیت مشابه اعطاء می‌کند.

ماده 271- با انقضاء یا خاتمه قرارداد، توزیع‌کننده مکلف است کلیه ابزار تبلیغاتی و سایر اسناد و مدارک و نمونه‌هایی را که تأمین‌کننده در اختیار وی قرار داده است عودت نماید.

ماده 272- پس از انقضاء یا خاتمه قرارداد، تأمین‌کننده باید کلیه کالای موجود نزد توزیع‌کننده را مرجوع نماید و وجوه و یا اسناد تجارتي دریافت‌شده بابت آنها را عودت دهد، مشروط بر اینکه این نوع از کالاها جزء آن دسته از محصولات باشد که هنوز توسط تأمین‌کننده به فروش می‌رسد و در شرایط مناسب و دارای بسته‌بندی اولیه باشد. در هر حال توزیع‌کننده می‌تواند کالاهای باقیمانده را بر اساس قرارداد و شرایط متعارف به فروش رساند. این حکم مانع الزام تأمین‌کننده به استرداد کالاهای باقیمانده و بازپس دادن وجوه و یا اسناد تجارتي دریافت‌شده مطابق مقررات این ماده نیست.

ماده 273- هرکس بر خلاف واقع ادعای نمایندگی توزیع از طرف دیگری نماید، علاوه بر مهر و موم (پلمب) محل نمایندگی و جبران خسارات واردشده، به جزای نقدی درجه سه محکوم می‌شود.

فصل یازدهم - ضمانت

ماده 274- ضمانت بر دو قسم است: ضمانت تبعی و ضمانت مستقل.

مبحث اول - ضمانت تبعی

ماده 275- در هر مورد که چند شخص به موجب قرارداد یا قانون به‌طور مستقل مسؤول ایفای دین واحدی باشند، بستانکار می‌تواند برای وصول تمام یا بخشی از طلب خود به هر یک از مسؤولان رجوع کند، مگر اینکه مطابق قانون یا قرارداد مکلف شده باشد در ابتداء به یکی از مسؤولان مراجعه و در صورت عدم وصول طلب به دیگری رجوع کند.

ماده 276- ضامن قبل از رسیدن اجل دین اصلی ملزم به تأدیه نیست، حتی اگر به سببی مانند فوت، دین اصلی حال شود. ضامن حال از این حکم مستثنی است.

ماده 277- اگر حق مطالبه دین اصلی مشروط به شرطی مانند اخطار قبلی باشد، رعایت آن شرط نسبت به ضامن نیز الزامی است.

ماده 278- چنانچه تمام یا بخشی از دین اصلی به هر نحو ساقط گردد، ضامن نیز حسب مورد نسبت به تمام دین یا بخش ساقط‌شده از مسؤولیت بری می‌شود.

ماده 279- پس از آنکه ضامن دین اصلی را پرداخت کرد، مضمون‌له باید تمام اسناد و مدارکی را که برای رجوع ضامن به مضمون‌عنه لازم و مفید است به او بدهد و اگر دین اصلی وثیقه داشته‌باشد، آن را به ضامن تسلیم کند. اگر دین اصلی وثیقه غیرمنقول داشته‌باشد، وثیقه‌دهنده مکلف است تشریفات را که برای انتقال وثیقه به ضامن به عنوان وثیقه گیرنده جدید لازم است، انجام دهد.

ماده 280- ضامنی که به صورت تبرعی ضمانت کند، حق رجوع به مضمون‌عنه را ندارد.

مبحث دوم - ضمانت مستقل

ماده 281- ضمانت مستقل قراردادی است که به موجب آن شخصی (ضامن) به درخواست دیگری (مضمون‌عنه) پرداخت مبلغ معینی به شخص ثالث (مضمون‌له) را با رعایت شرایط مقرر در قرارداد و مستقل از رابطه مبنایی بین مضمون‌عنه و مضمون‌له بر عهده می‌گیرد.

ماده 282- سند حاکی از قرارداد ضمانت مستقل، ضمانتنامه مستقل نامیده می‌شود.

ماده 283- ضامن می‌تواند برای تضمین بازپرداخت مبالغ پرداخت شده به موجب ضمانتنامه، از مضمون‌عنه تقاضای ضمانتنامه کند. این ضمانتنامه که به وسیله خود مضمون‌عنه یا به درخواست وی صادر می‌شود ضمانتنامه متقابل نام دارد و جز در موارد مصرح تابع احکام ضمانتنامه مستقل است.

ماده 284- تعهدات ناشی از ضمانتنامه موضوع این باب، مستقل از تعهدات متقابل ذی‌نفع و متقاضی که ناشی از قرارداد اصلی است و همچنین مستقل از تعهد متقاضی در برابر صادرکننده، معتبر است. هرگونه اشاره‌ای که در ضمانتنامه به تعهدات متقابل ذی‌نفع و متقاضی ناشی از قرارداد اصلی گردد، خللی به مستقل بودن ضمانتنامه وارد نخواهد کرد.

ماده 285- ضمانتنامه مستقل باید علاوه بر مهر و امضای صادرکننده مشتمل بر موارد زیر باشد:

1 - درج عبارت «ضمانتنامه مستقل» بر روی سند

2 - هویت و نشانی متقاضی (مضمون‌عنه)

3 - هویت و نشانی صادرکننده (ضامن)

4 - هویت و نشانی ذی‌نفع (مضمون‌له)

5 - تاریخ صدور به روز و ماه و سال

6 - مبلغ ضمانتنامه

7 - تاریخ خاتمه اعتبار ضمانتنامه یا واقعه منتج به خاتمه اعتبار ضمانتنامه

8 - تاریخ و شرایط مطالبه مبلغ و مدارک لازم برای احراز شرایط عندالاقضاء

9 - شرایط تغییر مفاد ضمانتنامه

10 - مشخصات قرارداد اصلی

11 - مشخصات ضمانتنامه متقابل در صورت وجود

12 - قابلیت تمدید یا عدم تمدید ضمانتنامه و بیان نحوه تمدید در صورت قابل تمدید بودن.

تبصره - هرگونه شرطی مبنی بر پرداخت وجه ضمانتنامه بدون درخواست ذی‌نفع، یا تمدید آن به نحو خود به خود ممنوع است. تمدید ضمانتنامه در هر حال منوط به موافقت صادرکننده است.

ماده 286- اگر تاریخ اعتبار ضمانتنامه مستقل در آن ذکر نشود تا پنج سال از تاریخ صدور اعتبار دارد. چنانچه

ضمانتنامه متقابل فاقد مدت باشد، مدت اعتبار آن برابر با یکسال پس از تاریخ اعتبار ضمانتنامه اصلی خواهد بود.

ماده 287- هر شرطی که استقلال ضمانتنامه مستقل را تغییر دهد بی اثر است.

ماده 288- ضمانتنامه مستقل به محض صدور غیرقابل برگشت است، حتی اگر صریحاً در آن قید نشده باشد.

ماده 289- به محض اینکه ضمانتنامه مستقل به متقاضی یا نماینده وی تسلیم شد، صادرشده محسوب می شود، مگر

آنکه در ضمانتنامه به نحو دیگری توافق شود. ارسال ضمانتنامه برای متقاضی یا نماینده وی در حکم تسلیم است.

ماده 290- به محض صدور ضمانتنامه و تا قبل از انقضای اعتبار آن ذی نفع می تواند با ارائه ضمانتنامه مبلغ آن را

مطالبه کند، مگر آنکه در ضمانتنامه زمان و یا شرایط خاصی برای مطالبه تعیین شود.

تبصره - به جز درج تاریخ یا قید گذشت زمان معین، ضمانتنامه نباید حاوی شرطی باشد که نتوان برای احراز

تحقق آن شرط، مدرکی ارائه کرد. در صورت وجود چنین شرطی یا در مواردی که مدرک احراز شرط معین نشده باشد

و سوابق موجود نزد ضامن نیز نتواند تحقق شرط را اثبات نماید، ضامن باید بدون توجه به آن شرط وجه را پرداخت

کند. همچنین پرداخت ضمانتنامه نباید منوط به ارائه مدرکی شود که متقاضی صادرکننده انحصاری آن است.

ماده 291- هر یک از ذی نفع و متقاضی می تواند با رعایت شرایطی که عندالاقضاء برای تغییر ضمانتنامه پیش بینی

شده است تغییر آن را تقاضا نماید. در این صورت ضامن مکلف است درخواست تغییر را برای طرف دیگر ارسال کرده

و موافقت کتبی وی را درخواست کند. در صورت موافقت کتبی ذی نفع یا متقاضی، از لحظه صدور اصلاحیه وفق ماده

(289) این قانون، ضمانتنامه اصلاح شده تلقی می شود، مگر آنکه در متن موافقتنامه به نحو دیگری توافق گردد. چنانچه

ذی نفع یا متقاضی در گذشته و به صورت کتبی با اصلاحیه موافقت نکرده باشد، از لحظه ای که صادرکننده ضمانتنامه

اعلامیه پذیرش اصلاحیه به وسیله ذی نفع یا متقاضی را دریافت می کند، ضمانتنامه اصلاح شده تلقی می شود. مگر آنکه بر

خلاف آن توافق شده باشد.

تبصره - در مواردی که تغییر ضمانتنامه، تعهدات صادرکننده را تغییر دهد، موافقت صادرکننده برای تغییر لازم

است. با وجود این چنانچه تغییر به دلیل پرداخت بخشی از وجه ضمانتنامه یا سررسید شدن تاریخ یا واقع شدن شرایط

مندرج در آن تقاضا گردد، صادرکننده مکلف به تغییر است.

ماده 292- تغییر ضمانتنامه مستقل تأثیری به زیان تأییدکننده ضمانتنامه ندارد، مگر اینکه وی به طور کتبی موافقت

کرده باشد. تأییدکننده ضمانتنامه شخصی است که اجرای مفاد ضمانتنامه به وسیله ضامن را تعهد می کند.

ماده 293- ضمانتنامه مستقل در صورتی قابل انتقال است که صراحتاً عبارت قابل انتقال در آن درج شده باشد.

انتقال ضمانتنامه با موافقت صادرکننده و پس از اخطاریه انتقال دهنده به ضامن مبنی بر اینکه انتقال گیرنده جانشین حقوق

و تعهدات او در رابطه پایه شده است محقق خواهد شد.

ماده 294- هر یک از اطراف ضمانتنامه مستقل، می تواند برای انجام وظایف و اختیارات خود به سایر طرفهای

ضمانت یا اشخاص ثالث فقط به طور رسمی وکالت دهد.

ماده 295- در صورتی که صادرکننده یا هر شخص دیگری که باید مبلغ ضمانتنامه را پرداخت کند، از سوی

ذی نفع اطلاعیه ای مبنی بر انتقال ضمانتنامه به شخص ثالث دریافت کند و براساس آن تمام یا بخشی از مبلغ ضمانتنامه

را به وی پردازد، به همان میزان از تعهدات ناشی از ضمانتنامه بری می شود.

ماده 296- تقاضای پرداخت مبلغ ضمانتنامه باید با رعایت شرایط مندرج در ضمانتنامه و این قانون انجام شود.

تقاضای پرداخت مبلغ ضمانتنامه به منزله اقرار ذی نفع به موارد زیر است:

- 1- کلیه اسناد ارائه شده منطبق با مقررات است و هیچ یک از آنها مجعول و غیرواقعی نیست؛
- 2- هیچ پرداخت یا تعهد پرداختی درباره اسناد ارائه شده انجام نشده است.
- ماده 297-** تقاضای پرداخت ضمانتنامه متقابل باید همراه اخطاریه‌ای از طرف ذی‌نفع آن مبنی بر دریافت مطالبه وجه ضمانتنامه مستقل مربوط مطابق با شرایط آن است.
- ماده 298-** پرداخت مبلغ ضمانتنامه و ارائه اسناد مندرج در آن باید حداکثر تا روز انقضای مدت اعتبار ضمانتنامه و در محل صدور آن از صادرکننده یا نماینده او تقاضا شود، مگر اینکه در ضمانتنامه به نحو دیگری مقرر گردد.
- ماده 299-** انقضای اعتبار ضمانتنامه مستقل ممکن است در تاریخ مشخصی باشد یا به تحقق شرط معینی موقوف شود. اگر هر دو ذکر شود هر یک زودتر اتفاق افتد تاریخ انقضاء اعتبار ضمانتنامه خواهد بود، مگر بر خلاف آن توافق شده باشد.
- ماده 300-** تقاضای پرداخت بخشی از مبلغ ضمانتنامه یا پرداخت مبلغ آن در چند مرحله ممکن است، مشروط بر آنکه این امر در ضمانتنامه پیش‌بینی شود. در صورتی که متقاضی وثیقه‌ای در خصوص ضمانتنامه به صادرکننده داده باشد، با بازپرداخت هر بخش از مبالغی که ضامن به مضمون‌له پرداخته است می‌تواند به نسبت، خواهان آزاد شدن وثیقه خود گردد مشروط بر آنکه وثیقه قابلیت تفکیک داشته باشد.
- ماده 301-** صادرکننده باید تقاضای پرداخت ذی‌نفع و اسناد ضمیمه آن را بررسی کند و در حدود عرف، اصالت اصل سند و اسناد ضمیمه آن و مطابقت آنها با اسناد ذکر شده در ضمانتنامه را در روابط داخلی حداکثر تا یک هفته و در روابط بین‌المللی حداکثر تا یک‌ماه از تاریخ درخواست پرداخت، احراز و تعهد خود را ایفا کند. ایفای تعهد با تأدیه مبلغ مندرج در ضمانتنامه محقق می‌شود و ممکن است، حسب دستور ذی‌نفع، از طریق صدور حواله، قبول و پرداخت برات یا امثال آن انجام گیرد.
- تبصره 1-** چنانچه ضمانتنامه متضمن شرطی دال بر ارائه اسناد و مدارک نباشد، در صورت مطالبه وجه ضمانتنامه توسط ذی‌نفع، صادرکننده موظف است پس از وصول درخواست مطالبه، تا چهل و هشت ساعت مبلغ ضمانتنامه را به ذی‌نفع پرداخت نماید.
- تبصره 2-** صادرکننده مکلف است به محض تقاضای پرداخت ضمانتنامه از سوی ذی‌نفع این موضوع را به موجب اخطار به اطلاع متقاضی و ضامن متقابل در صورت وجود برساند.
- ماده 302-** چنانچه مطالبه مبلغ به ارائه اسنادی منوط شود و صادرکننده اسناد ارائه شده را با اسناد ذکر شده در ضمانتنامه مغایر تشخیص دهد، باید ظرف مدت سه روز مراتب را همراه دلایل رد به صورت کتبی به اطلاع ذی‌نفع برساند. صادرکننده باید به تقاضای ذی‌نفع اصل اسناد را مسترد کند.
- ماده 303-** قبول هیچ یک از اسناد به وسیله صادرکننده نباید به امضاء یا تأیید متقاضی صدور ضمانتنامه یا امضای شخص ثالث منوط شود.
- ماده 304-** در مواردی که اسناد ارائه شده مجعول یا وقوع جرمی در مورد آنها محرز باشد، پرداخت وجه متوقف می‌شود.
- ماده 305-** چنانچه ضمانتنامه متضمن شرطی دال بر ارائه اسناد و مدارک باشد، مؤسسه اعتباری بر مبنای ظاهر اسناد و مدارک ارائه شده در حد عرف بانکداری عمل می‌نماید و هیچ‌گونه تعهد یا مسؤلیتی در این خصوص از جمله موارد زیر ندارد:
- 1 - اصالت و صحت هرگونه امضاء، مدارک، اسناد و اطلاعات ارائه شده؛

- 2- هرگونه اظهارات کلی یا خاص در خصوص مدارک و اسناد ارائه شده؛
- 3- وجود کالا یا خدمات و همچنین شرح، مقدار، وزن، کیفیت، بسته بندی، تحویل و ارزش آنها و سایر کارهای اجرائی یا آماری که در اسناد و مدارک، به آنها اشاره شده است؛
- 4- حسن نیت، فعل یا ترک فعل، اعتبار مالی و شخصی صادرکننده اسناد و مدارک.
- ماده 306-** در صورتی که صادرکننده، اسناد ارائه شده یا تقاضای پرداخت ذی نفع را بدون توجیه قابل قبول رد کند، ملزم به جبران کلیه خسارات وارد شده به ذی نفع و متقاضی است.
- ماده 307-** در صورتی که صادرکننده، مبلغ ضمانتنامه مستقل را مطابق شرایط ضمانتنامه پرداخت کند، متقاضی باید مبالغ زیر را به وی بپردازد:
- 1- مبلغ مندرج در ضمانتنامه تا سقفی که به ذی نفع پرداخت شده است.
 - 2- کارمزدی که ممکن است برای پرداخت معین شده باشد.
 - 3- هزینه ها و خساراتی که صادرکننده در اثر انجام تعهدات ناشی از ضمانتنامه متحمل شده است. طرفین می توانند در این خصوص بر مبلغ مقطوعی به عنوان خسارت توافق کنند.
- ماده 308-** در صورت فقدان، سرقت یا از بین رفتن ضمانتنامه صادرکننده به تقاضای ذی نفع ملزم به صدور نسخه جایگزین (المثنی) یا عندالاقضاء پرداخت مبلغ ضمانتنامه می باشد. در صورت صدور نسخه جایگزین باید عبارت «نسخه جایگزین (المثنی)» بر روی ضمانتنامه درج گردد.
- ماده 309-** صادرکننده ضمانتنامه در موارد زیر از پرداخت وجه به ذی نفع خودداری می کند:
- 1- چنانچه اسناد ارائه شده صحیح نباشد یا مجعول باشد،
 - 2- چنانچه وجه ضمانتنامه طبق شرایط مندرج در آن قابل مطالبه نباشد،
 - 3- چنانچه مطالبه وجه هیچ مبنای ممکن و قابل تصویری نداشته باشد مانند موارد زیر:
- 1-3- واقعه یا خطری که ضمانتنامه مستقل به منظور حمایت ذی نفع در برابر آن صادر شده است مسلماً رخ نداده باشد،
- 2-3- تعهد پایه توسط دادگاه باطل اعلام شده باشد، مگر اینکه در ضمانتنامه تصریح شده باشد بطلان تعهد پایه نیز تحت پوشش ضمانتنامه قرار دارد.
- 3-3- تعهد پایه بدون تردید با رضایت ذی نفع اجراء شده باشد.
- 4-3- به تشخیص دادگاه تقصیر ذی نفع آشکارا مانع اجرای تعهد پایه شده باشد.
- 4- در مورد ضمانتنامه متقابل، هرگاه ذی نفع ضمانتنامه متقابل به عنوان صادرکننده ضمانتنامه مستقل مربوط، وجه آن را با سوءنیت پرداخته باشد.
- تبصره- متقاضی ضمانتنامه می تواند در موارد مذکور در بندهای (1)، (2) و (3) این ماده از دادگاه صدور دستور موقت مبنی بر عدم پرداخت ضمانتنامه را تقاضا نماید.
- ماده 310-** در صورتی که صادرکننده به دلیل حوادث خارجی غیرقابل پیش بینی و غیرقابل رفع یا دستور مقام قضائی نتواند مبلغ ضمانت را پرداخت کند و مدت اعتبار ضمانتنامه نیز در این مدت منقضی شده باشد، ضمانتنامه تا سی روز پس از رفع موارد مذکور معتبر خواهد بود. چنانچه ذی نفع پیش از تاریخ بروز حادثه یا پیش از تاریخ وصول دستور مقام قضائی مبنی بر عدم پرداخت، درخواست مطالبه وجه ضمانتنامه را به صادرکننده یا ضامن ارائه نموده باشد،

صادرکننده موظف است پس از رفع موارد مذکور مطابق مقررات این قانون، وجه ضمانتنامه را به ذی نفع پرداخت نماید.
ماده 311- هر کس با علم به بلاجهت بودن وصول مبلغ ضمانتنامه آن را وصول کند، به جزای نقدی از نصف تا کل مبلغ ضمانتنامه و جبران خسارت زیان دیده محکوم خواهد شد.
ماده 312- مقررات این فصل نافذ اختیارات مراجع ذیصلاح در تنظیم دستورالعمل اجرائی ناظر بر ضمانتنامه‌های بانکی ناشی از سیاست‌های پولی و بانکی نیست.

فصل دوازدهم - اعطای امتیاز کسب و کار (فرانچایز)

ماده 313- اعطای امتیاز کسب و کار (فرانچایز) قراردادی است که به موجب آن، دارنده یک کسب و کار حق استفاده از مالکیت فکری خود در آن کسب و کار مانند نام و علامت تجارتي و دانش فنی را به منظور راه‌اندازی و انجام همان کسب و کار تحت همان نام و علامت و با شرایط معین و با کمک و تحت نظارت مستمر خود در محدوده جغرافیایی معین به دیگری اعطاء می‌کند.

ماده 314- امتیازگیرنده مستقل بوده و به نام و حساب خود فعالیت می‌کند.

ماده 315- طرفین قرارداد موظف هستند تا قرارداد اعطای امتیاز و هر نوع تغییر در مفاد آن را نزد سازمان ثبت اسناد و املاک کشور به ثبت برسانند. قراردادی که برای ثبت به مرجع ثبت ارائه می‌شود، حداقل باید شامل موارد زیر باشد:

- 1- هویت طرفین قرارداد؛
- 2- نام و مشخصات کسب و کار؛
- 3- مابه‌ازای امتیاز اعطاء شده و هزینه‌های مرتبط از قبیل هزینه تبلیغات، هزینه ارتقاء؛
- 4- تعهدات امتیازدهنده؛
- 5- تعهدات امتیازگیرنده؛
- 6- مشخصات مالکیت فکری اعطاء شده؛
- 7- تعیین تکلیف در خصوص امکان واگذاری کسب و کار به شخص دیگر و شرایط آن در صورت امکان؛
- 8- نوع و مشخصات کمک‌های اعطائی از سوی امتیازدهنده؛
- 9- مدت زمان قرارداد و شرایط راجع به تمدید آن؛
- 10- حقوق و تکالیف طرفین پس از خاتمه یا انقضای قرارداد؛
- 11- انحصاری یا غیر انحصاری بودن قرارداد؛
- 12- تعیین تکلیف کسب و کار در صورت فوت امتیازگیرنده؛
- 13- تکلیف قرارداد در صورت تغییر یا انقضای مالکیت فکری در طول مدت قرارداد؛
- 14- نحوه تبلیغات به خصوص امکان یا عدم امکان تبلیغ در خارج از حوزه جغرافیایی.

ماده 316- اعطای امتیاز کسب و کار باید در دفتر ثبت تجارتي به ثبت برسد. در غیر این صورت محل کسب و کار امتیازگیرنده مهر و موم (پلمب) خواهد شد. ثبت مذکور منوط به ارائه گواهی ثبت قرارداد اعطای امتیاز مطابق ماده (315) این قانون است.

ماده 317- مرجع ثبت، مفاد بندهای (1)، (2)، (6)، (7)، (9) و (11) ماده (315) این قانون و هر نوع تغییر در

خصوص آنها را در روزنامه رسمی منتشر می‌کند. در صورت عدم ثبت قرارداد، طرفین نمی‌توانند به ضرر اشخاص ثالث ناآگاه به مفاد قرارداد استناد نمایند.

ماده 318- امتیازدهنده باید حقوق مالکیت فکری موضوع قرارداد اعطای امتیاز کسب و کار را به شکل قانونی کسب کرده و در مواردی که الزام به ثبت آن وجود دارد، آن را به ثبت برساند. امتیازدهنده ضامن اعتبار این حقوق در طول دوره قرارداد است.

ماده 319- هر شخص بدون انعقاد قرارداد امتیاز طبق این قانون، خود را منتسب به شبکه کسب و کار نموده یا اقداماتی انجام دهد که نوعاً موجب گمراهی مردم در خصوص انتساب آن به یک شبکه کسب و کار مشخص باشد، علاوه بر جبران خسارات وارده به جزای نقدی درجه چهار محکوم خواهد شد.

ماده 320- امتیازدهنده مکلف است قبل از انعقاد قرارداد اطلاعات زیر را در اختیار متقاضی امتیاز، قرار دهد:

- 1- اطلاعات شبکه کسب و کار از قبیل ساختار و وسعت شبکه و سوابق آن؛
- 2- حق مالکیت فکری مرتبط و هرگونه دعوی طرح شده در خصوص آن؛
- 3- دعاوی مطرح علیه امتیازدهنده یا وابستگان تجارتي آن در ارتباط با موضوع قرارداد در مدت پنج سال اخیر؛
- 4- سابقه ورشکستگی یا توقف در پنج سال اخیر؛
- 5- مشخصات امتیازگیرندگان نزدیک به منطقه جغرافیایی متقاضی؛
- 6- اطلاعات امتیازگیرندگانی که در پنج سال اخیر با شبکه کسب و کار قطع همکاری کرده‌اند با بیان علت قطع همکاری.

تبصره - هرگونه توافقی بر خلاف این ماده کأن لم یکن تلقی خواهد شد. در صورت عدم ارائه اطلاعات یا ارائه اطلاعات خلاف واقع امتیازدهنده مسئول جبران خسارات طرف مقابل است. علاوه بر این امتیازگیرنده ناآگاه می‌تواند قرارداد را فسخ نماید.

ماده 321- امتیازدهنده مکلف است اطلاعات، دانش فنی و آموزش‌های لازم برای راه‌اندازی کسب و کار را به امتیازگیرنده ارائه دهد. در صورتی که در طول اجرای قرارداد، اطلاعات و دانش فنی، تصحیح، توسعه و یا تکمیل یابد، امتیازدهنده موظف به ارائه اطلاعات و دانش جدید است.

ماده 322- در صورتی که مالکیت فکری موضوع قرارداد از سوی شخص ثالث نقض گردد، امتیازدهنده مکلف است نسبت به جلوگیری از نقض مذکور اقدامات لازم را انجام دهد. در صورت تقاضای امتیازگیرنده مبنی بر جلوگیری از نقض و عدم انجام اقدامی از سوی امتیازدهنده، امتیازگیرنده در محدوده جغرافیایی خود، شخصاً می‌تواند علیه ثالث اقامه دعوی نماید. در این صورت هزینه‌های متحمل و خسارات ناشی از عدم اقدام بر عهده امتیازدهنده خواهد بود.

ماده 323- امتیازگیرنده متعهد است روش تجارتي و دستورالعمل‌های صادره از سوی امتیازدهنده را رعایت نماید. دستورالعمل‌های مذکور تا مقداری نافذ خواهد بود که به مستقل بودن امتیازگیرنده طبق ماده (314) این قانون خللی وارد نشود.

ماده 324- امتیازدهنده موظف به نظارت بر شیوه عملکرد امتیازگیرنده است تا کالای ارائه‌شده از سوی او برخلاف استانداردها و کیفیت کالاهای اصلی نباشد.

ماده 325- امتیازگیرنده باید حق دسترسی به محیط فعالیت خود را برای امتیازدهنده فراهم نماید به نحوی که امتیازدهنده اطمینان حاصل کند امتیازگیرنده بر طبق قرارداد و دستورالعمل‌های صادره عمل نموده و اقدامی انجام

نمی‌دهد که شهرت و اعتبار شبکه کسب و کار را به خطر اندازد. همچنین امتیازگیرنده باید حق دسترسی به دفاتر و سایر اسناد مالی مربوط به قرارداد را برای امتیازدهنده فراهم نماید.

ماده 326- امتیازدهنده در صورت انحصاری بودن قرارداد امتیاز نمی‌تواند در منطقه جغرافیایی مورد توافق، به شکل مستقیم یا غیرمستقیم اقدام به رقابت با امتیازگیرنده نماید یا با شخص دیگری در خصوص موضوع قرارداد، قرارداد اعطای امتیاز دیگری منعقد نماید.

ماده 327- امتیازدهنده باید کلیه اقدامات لازم و متعارف به ویژه طراحی برنامه‌های تبلیغاتی را در جهت حفظ و ارتقای شهرت و اعتبار شبکه کسب و کار انجام دهد. انجام هرگونه اقدامی توسط امتیازگیرنده که موجب خدشه به اعتبار و حسن شهرت شبکه کسب و کار شود، ممنوع است.

ماده 328- امتیازدهنده می‌تواند در قرارداد شرط کند که امتیازگیرنده تا مدتی بعد از انقضای قرارداد از راه‌اندازی کسب و کاری مشابه با موضوع قرارداد در همان منطقه جغرافیایی ممنوع باشد، در هر صورت مدت مذکور نمی‌تواند بیش از دو سال پس از انقضای قرارداد باشد.

ماده 329- بعد از انقضای مدت قرارداد، امتیازگیرنده حق فروش اموالی که نزد او باقی مانده است را با همان شرایط مذکور در قرارداد دارد و این امر نقض مالکیت امتیازدهنده محسوب نمی‌گردد؛ مگر اینکه امتیازدهنده خود خواهان خرید کالاهای مذکور به قیمت روز باشد که در این صورت امتیازگیرنده باید از فروش کالاهای مذکور به غیر خودداری کند.

ماده 330- از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون موارد زیر نسخ می‌شود:

1- مواد (335) تا (411) قانون تجارت مصوب 1311/2/13 با اصلاحات و الحاقات بعدی

2- تصویبنامه قانونی مربوط به تأسیس انبارهای عمومی مصوب 1340/6/6 با اصلاحات و الحاقات بعدی.

ماده 331- مفاد این قانون از تاریخ 1400/1/1 لازم‌الاجراء است.

شورای نگهبان
قائم مقام دبیر

جمهوری اسلامی ایران
برسالتی

شماره: ۹۱/۲۰/۲۶۶۹۵
تاریخ: ۱۱/۲۴/۱۰ و دیهشت
پست:
طبقه بندی:

مجلس شورای اسلامی - ماده ۱۱۴ قانون اساسی
معاونت قوانین
این لایحه در جلسه علنی - مورخ ۹۲/۱۲/۲۶
اعلام وصول و در دفتر طرح ها و لوایح دبیرخانه اداره کل قوانین
به شماره ثبت ۴۴۳ و شماره ترتیب چاپ ۳۰۷۳
درج گردید

رئیس محترم مجلس شورای اسلامی

حفظ به نامه شماره ۱۱۴/۶۳۵۳ مورخ ۱۳۹۰/۰۲/۱۷

لایحه تجارت

مصوب جلسه مورخ بیست و سوم فروردین ماه یکهزار و سیصد و نود و یک مجلس شورای اسلامی که طبق اصل هشتاد و پنجم (۸۵) قانون اساسی در جلسه مورخ ۱۳۹۰/۱۰/۶ کمیسیون قضائی و حقوقی به تصویب رسیده بود، در جلسه مورخ ۱۳۹۱/۰۲/۲۰ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که نظر شورا به شرح زیر اعلام می گردد:

... نظر به اینکه طبق اصل ۸۵ قانون اساسی مجلس نمی تواند اختیار قانونگذاری را به شخص یا هیاتی واگذار کند، فقط در موارد ضروری می تواند اختیار وضع بعضی از قوانین را به کمیسیونهای داخلی خود تفویض نماید، با توجه به اینکه قانون تجارت فعلی قانون دائمی است و امور مربوطه بطور طبیعی و عادی جریان دارد و خلاء قانونی به نحو کلی که جبران آن ضروری باشد در این خصوص وجود ندارد و هیچ ضرورتی برای تصویب این مصوبه در کمیسیون به صورت آزمایشی بدون جری مراحل عادی قانونگذاری نیست، علاوه بر وجود ابهامات و اشکالات عدیده در این مصوبه با عنایت به مراتب مذکوره تصویب آن توسط کمیسیون قضائی و حقوقی مجلس شورای اسلامی، مغایر اصل ۸۵ قانون اساسی تشخیص داده شد.

به فرض اینکه قانون موجود در برخی موارد احتیاج به تغییر و اصلاح یا تکمیل داشته باشد باید به این نحو و به همان مقدار اکتفاء شود.

محمد شایسته
قائم مقام دبیر شورای نگهبان

دبیرکل
مجلس

مخبر ریاست مجلس
شماره: ۱۳۹۰/۰۲/۱۷
تاریخ: ۱۳۹۰/۰۲/۱۷

شماره ۱۱۹۳
تاریخ ۳۳/۳/۲۷
پست
قلمی
بسته

شورای نگهبان
دبیر

ص ۴۴۳

دبیر شورای نگهبان
شماره ۳۳/۳/۲۷
تاریخ ۲۱۹۲

رئیس محترم مجلس شورای اسلامی

حرف به نامه شماره ۱۱۴/۱۶۷۷۹ مورخ ۱۳۹۲/۰۳/۱۷ و پرو نامه شماره ۹۲/۳۰/۶۶۹۵ مورخ ۱۳۹۱/۰۲/۲۶

لایحه تجارت

که در جلسه مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۱۸ کمیسیون قضائی و حقوقی طبق اصل هشتماد و پنجم (۸۵) قانون اساسی به تصویب رسیده بود و در جلسه مورخ هفدهم فروردین ماه یکهزار و سیصد و نود و سه به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است، در جلسه مورخ ۱۳۹۲/۰۳/۲۰ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت و با توجه به اصلاح به عمل آمده نظر شورا به شرح زیر اعلام می گردد:

... عملی و نظم تغییر به عمل آمده ابراد سابق این شورا کماکان به قوت خود باقی است.

احمد جنتی
دبیر شورای نگهبان

با کمال احترام
عناصرت
عناصرت
عناصرت
عناصرت

علی لاریجانی
رئیس مجلس شورای اسلامی

حوزه ریاست مجلس
شماره ۱۱۴/۱۶۷۷۹
تاریخ ۱۳۹۲/۰۳/۱۷
تاریخ ثبت